



کمونیست

ارگان مرکزی حزب کمونیست ایران

سال اول - شماره ۹

۲۰ خردادماه ۱۳۶۳

۵۰ ریال

لازمه‌ها و راه‌ها علیه کلیت قانون کار جمهوری اسلامی

سران و کارگزاران فعلی جمهوری اسلامی از همان قبل از به قدرت رسیدن، نیت و اهداف آشکارا ضدکارگريشان را با فرستادن بازرگان برای پایان دادن به مبارزات کارگريان صنعت نفت - مبارزاتی که کلیه حاکمان و مزدوران سرمايه‌طلبه بقیه در صفحه ۲

راه کارگر و مهاجرین افغانی:

"فاشیسم، گابوس یا واقعیت؟! "

رویزونیسم و پراکتیک رویزونیستی یک هنر است. یک رویزونیست معتمد کسی است که بتواند منافع بورژوازی را با لغاطی، سفطه‌گری، با ابداع تئوری‌های جدید و نسبت دادن این تئوری‌ها به مارکسیسم، منافع طبقه کارگر قلمداد کند. یک رویزونیست موفق، مانند هر بورژوازی موفق، باید برای

کارش زحمت بکشد، باید تجربه کسب کند، آموزش ببیند و در یک کلمه، باید هنر رویزونیسم را به ما موزد. این هنر را از یک رویزونیست بگیرد، یک دلقک عتک و خالی برجای می‌ماند. این بلانی است که هر روز بر سر راه کارگري می‌آید. رویزونیستی که می‌خواهد بدون مـرارت کشیدن، بدون مایه داشتن، خود را نزد "اردوگاه سوسالیم" اش از حزب توده عزیزتر کند، اما همواره به نحو دردناکی بند را از تن می‌دهد و آبروی یک "قطب" را بقیه در صفحه ۵

موضوع این نوشتاری اقلیت در خدمت چیست؟

مدتی پس از آخرین درگیری بین کومه‌له و حزب دمکرات در آذرماه ۶۲ در جنوب کردستان (که طبق معمول و برای چندمین بار، حزب دمکرات آنرا به کومه‌له تحمیل نمود)، سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اقلیت) طی بیانیه‌ای "راه‌حل" تبووع آساشی

برای جلوگیری از تکرار این درگیریها ارائه داد. "این راه‌حل عبارت بود از تشکیل کمیسیون مشترکی مرکب از نیروهای انقلابی و شخصتهای سیاسی مورد توافق حزب دمکرات و کومه‌له که نه به روال بقیه در صفحه ۲۱

نگاهی به لیست آساشی شهدا

منتشره در "مجاهد" صفحه ۳۱

و نامه دبیرخانه ح.ک.ا. به "مجاهد"

صفحه ۱۰



در کردستان انقلابی...

صفحه ۱۹

اطلاعیه کمیته مرکزی کومه‌له به مناسبت سیاست سر بازگیری جمهوری اسلامی در کردستان

کارگران جهان متحد شوید!

تقیه از صفحۀ اول

لاوم مبارزه ...

انعام یک قدرت کارگری را در آن می دیدند و سخت از آن به وحشت افتاده بودند. در کنار دستگیریها و تهدید به گلوله بستن کارگران صنعت نفت توسط دولت از هاری، به عمل درآوردند. آنها اقدامات ضد کارگری خود را با گرفتگی اسلحه ها از دست کارگران تکمیل کردند و از فریاد به قدرت رسیدن هر کجا که توانستند کارگران مبارز و کمونیست را ترور کردند، به گلوله بستند. شورا های کارگری را منحل و نمایندگانشان را اخراج و دستگیر کردند. مبارزات کارگران را سرکوب نمودند، قدم به قدم دستاوردهای انقلاب را پس گرفتند و کارگران را از سنگرهای که فتح کرده بودند عقب راندند. رژیم اسلامی با هجوم گسترده و وحشیانه پس از ۳۰ خرداد ۶۰ به اردوگاه انقلاب و طبقه کارگر و جنبش کارگری، با انحلال شورا - هائی که تا آن زمان به مقاومت در مقابل سرمایه ادامه داده بودند، با اعدام دهها هزار نفر از کمونیستها، کارگران مبارز و انقلابیون و دستگیری و شکنجه تعدادی به مراتب بیشتر و با اغرض با ایجاد گورستانی از ترس و وحشت و ترور و اختناق به سرمایه و امپریالیسم نشان داد که سرکوب چنان انقلابی تنها از عهد سردمداران این رژیم و با کمک سی دریغ اسلام ساخته بوده و هست و این مستبدین حیوان مفت می توانند در دفاع از سرمایه و امپریالیسم به هر جنایتی دست

بزنند.

بر زمینه چنین شرایطی رژیم اسلامی فرصت را غنیمت شمرد تا با انتشار رهپیش نویسی قانون کار و تصویب آن سندی بردگی و تسلیم کارگران را به سرما به او مهربالیم هدیه کند. سندی که در آن کارگران تنها نیروی کار خود را نمی فروختند بلکه با استناد به قوانین اسلام و قرآن، به معنای واقعی کلمه به اجاره داده میشدند. رژیم اسلامی به گمان این که چون هزاران کارگر مبارز و کمونیست را اخراج، دستگیر و اعدام کرده است و کارگران حتی از ابتدائی - ترین تشکلهای خود محروم هستند، می تواند این سندی بردگی کارگران را که بقول توکلوی وزیر کار وقت "تنها تعداد معدودی کمونیست با آن مخالفت خواهند کرد"، بدون هیچ مقاومتی از طرف کارگران به پیشگاه سرمایه و امپریالیسم تقدیم کند. غافل از اینکه طبقه کارگر اگر چه از تشکلهای خود محروم است و بسیاری از پیشروان مبارزش اخراج و با دستگیر و اعدام شده اند اما آگاهی و تجربه پنج سال مبارزه در دل یک انقلاب عظیم و غوغایی را با خود دارد. پنج سال مبارزه که چه از نظر تعداد

اعتراضات به پیش نویسی قانون کار اسلامی به کارگران کمونیست و مبارز محدود نما و دوبه سرعت

وسیعترین بخشهای طبقه کارگر را در بر گرفت. قانون کار اسلامی که تا پیشدخمینی، منتظر سری - مدرسین حوزه علمیه قم، بسیاری از آیت الله ها و آخوندهای ریز و درشت دیگر و مساجد های توکلوی وزیر کار در اسلامی بودن و در دفاع از آنرا به همراه داشت با اعتراضات و مبارزات وسیع میلیونها کارگر مواجه شد. در این میان مزدوران انجمن های اسلامی و غانکه کارگر و شورا های اسلامی با انتقادات خود به بخشها و بندهائی از آن سعی کردند تا مبارزات کارگران را بر علیه کل قانون کار اسلامی منحرف کنند. مبارزه میلیونی کارگران علیه قانون کار اسلامی کلیه سران رژیم را وادار کرد تا یک یک چه علناً و چه در خفا از پشتبانی آن دست بردارند و تا فیدات خود را از آن پس بگیرند. رژیم اسلامی وادار شد با فضاحت و ضعف و زبونی کل قانون کار اسلامی را پیر بگیرد و توکلوی را بعنوان مظهر مساجت در دفاع از قانون کار اسلامی که بیشترین خشم و نفرت کارگران را بر علیه خود برانگیخته بود از کابینه و وزارت کار رکنار بگذارد و جای او را به علادی بانام سرحدی زاده زندانبان و عضو شورای سرپرستی زندانها بدهد. طبقه کارگر با مبارزات خود علیه قانون کار نشان داد که با وجود انحلال شوراها و دستگیری و اعدام رهبران و پیشروانش، هنوز از پانفتمتاده است و از پانفتمتاده افتاد. نشان داد که در مقابل نیروی اتحاد و همبستگی طبقاتی و سراسری هیچ نیرو و رژیم حتی رژیم اسلامی با تمام

دینده خوئی و حیوان مفتی بورژوا - امیربالیستی اش یا رای مقاومت و پایداری ندارد. نشان داد که می توان رژیم اسلامی را با تمام هیاهوی تبلیغاتی و قسدرت طلبانه اش که گوش فلک را کر کرده است، حتی با شیوه‌های نظیر تهیه طومار و جمع‌آوری امضا به عقب نشینی‌های فضاحت باری وادار کند. مبارزه علیه قانون کار اسلامی اعتماد به نفس و ایمان به قدرت خود، روحیه اتحاد و همبستگی و تشکل پذیری را در میان کارگران تقویت کرد.

رژیم اسلامی پس از یکسال پیش‌نویس جدید قانون کار را منتشر کرده است. این پیش‌نویس اگرچه زرق و برق و رنگ و لعابی نسبت به پیش‌نویس قبلی دارد اما به همان اندازه رنجامی، ضد کارگری و ضد مکتب است. رژیم اسلامی که ضربت شکست کارگران را چشیده است و اعتراض و مبارزه کارگران بر علیه پیش‌نویس جدید را هم حتمی و قطعی می‌داند اینبار با آمادگی بیشتر وارد میدان شده است. اگر در دوره قبل رژیم اسلامی به هیچ وجه انتظار مبارزه و اعتراض وسیع کارگران را نداشت و شاید بتوان گفت در برابر این مبارزات غافلگیر شده بود، در طول این یکساله خود را آماده کرده و تعدادی برنامه و سیاستی را که در دوره قبل از اجراش تا کام ماند، اینبار به اجرا درآورد. ما باید تلاش کنیم تا اینبار هم برنامه و نقشه‌های ضد کارگری رژیم اسلامی با شکست و ناکامی مواجه شود. در مبارزه دوره قبل هنگامی

که رژیم اسلامی با موج اعتراضات و مبارزات وسیع کارگران که به هیچ وجه انتظار آن را نداشت روبرو گردید، مذبوحانه تلاش کرد تا در بین کارگران تفرقه ایجاد کند و در وهله اول آنها را به دو گروه تقسیم نماید. گروه اول که کلیت پیش‌نویس را می‌پذیرند و در چهار رجب آن انتقاداتی به بعضی از بخشها و بندهای آن دارند و گروه دوم که کلیت آن را قبول ندارند و هرگونه بحث و پیشنهاد اخلاقی را در چهار رجب پیش‌نویس رد می‌کنند. رژیم اسلامی قصد داشت انتقادات و اعتراضات گروه اول را به چهار رجب و کانسال انتقادات جاسوسان انجمن‌های اسلامی، تشکل‌های زرد و وابسته شورا‌های اسلامی و مزدوران خانه کارگر که سر رشته کار آنها را در دست خود داشت، هدایت کند. بدین خاطر بخشنامه انحلال کلیه شورا‌های اسلامی را که خود قبلاً صادر کرده بود، لغو نمود و خود فعلاً توسط مزدورانش به تشکیل شورا‌های اسلامی زرد و وابسته اقدام کرد. تشکیل شورا‌های اسلامی کارها نجات داده و در بحبوحه مبارزات کارگران و انتقاداتشان به پیش‌نویس قانون کار اسلامی در چهار رجب همین سیاست رژیم اسلامی بود. قدم بعدی به راه انداختن دستگاه‌های تبلیغاتی و همه‌گونه حمایت دولتی در پشتیبانی از گروه اول بود تا در عین حال با ژست "نظر نمایندگان کارگران برای اصلاحات آری" و "توطئه گروه‌ها و کمونیست‌ها نه" گروه دوم را منزوی کرده و سرکوب

نماید و همان پیش‌نویس را با تغییرات اندکی به تصویب رساند. اما اعتراضات کارگران که کلیت پیش‌نویس و اساس آن را مورد حمله قرار داده بود، اجرای این طرح رژیم اسلامی را عقب می‌گذارد. گروه دوم اگرچه بر سرالترناتسو قانون کار اسلامی در میان خود اختلافات زیادی داشتند و پاسن یکی از ضعفهای اساسی مبارزه در دوره قبل بود اما در مخالفت و "نه" گفتن به کل پیش‌نویس متحد بودند و اکثریت مطلق کارگران را با خود داشتند.

اکنون نیز رژیم اسلامی که اعتراض و مبارزه کارگران بر علیه پیش‌نویس جدید را حتمی و قطعی میداند، تعداد اردت با اتکا بر همین شیوه و سیاست تفرقه افکنانه، در میان کارگران دودستگی ایجاد کرده و قانون غذاگری خورا به گرسی بنشانند. رژیم اسلامی برای آنکه قدرت ما نوربیشتری داشته باشد برخلاف دوره قبل از این پیش‌نویس تمام و کمال دفاع نکرده و خود از همان ابتدا به "پارهای کمیونها و نواقص" آن اعتراف نموده است، اعتراف رژیم اسلامی به نواقص پیش‌نویس جدید وسیله‌ای است در دست رژیم اسلامی تا در مبارزات کارگران شکاف ایجاد کند و تفرقه بیا فکند. پارهای انتقادات سطحی را با گفتن "قبول داریم و از اول خودمان گفته بودیم که پیش‌نویس جدید نواقص و کمبودهایی دارد" جواب گفته و با این عمل خوددسته‌ای از مخالفان نا پیگیر پیش‌نویس را خاموش کند و با

حداکثر و در نهایت اعتراضات آنان را به چهار رچوب رسمی و قانونی و به کمال انتقال انتقادات جا سوسان انجمن های اسلامی، شورا های اسلامی زرد و وابسته و مزدوران جیره خوار غانه کارگر که ما ننند عروسکهای خیمه شب بازی سرنخ همه آنان را بدست دارد، هدایت نماید. برگزاری سمینار بررسی پیش نویس جدید با شرکت جا سوسان و مزدوران و انتقادات و انتقادات آنان در این سمینار به پیش نویس جدید، در چهار رچوب این سیاست و طرح رژیم اسلامی است. سیاستی که همانطور که گفتیم هدفش ایجاد شکاف و تفرقه در مبارزات کارگران و در میان طرفداران تغییر و اصلاح پیش نویس قانون کار، و مخالفین کلیت این قانون است. هدف رژیم اسلامی حمایت از گروه اول و سرکوب گروه دوم و تصویب این پیش نویس با اصلاحاتی جزئی است. رسوائی دفاع و تائید خمینی، منتظری، مدرسین حوزه علمیه قم و دیگرکاپیتالهای و ملاحای ریز و درشت از پیش نویس قبلی باعث شده است این دسته در این مرحله به شکل محتاطانه و بیشتر در غنا از آن دفاع کنند و مهربانانید بر اسلامی بودن آنرا به فرصت دیگری واگذارند. آنها برای دفاع فعال از این پیش نویس فرصت کافی دارند زیرا این پیش نویس پس از تصویب هیئت وزیران به مجلس شورای اسلامی و سپس به شورای نگهبان خواهد رفت. در

حال حاضر به دولت و وزیر کار فرصت داده اند تا گروه اول را متشکل کند و با زمان دهد و جنبش اعتراضی کارگران را بیشتر بررسی کند.

طبقه کارگران مبارزه بر علیه پیش نویس قبلی و پیروزی در عقب راندن رژیم اسلامی تجارب و درسها آموخته است. در این دوره با روحیه بالاتر و اعتماد به نفس بیشتری نسبت به دوره قبل مبارزه خواهد کرد، آگاه تر گردیده، به قدرت متحد و سراسری خود واقفتر گشته و با ایمان تر شده است. بکوشیم با یادآوری دانشی در مبارزه و تجارب مبارزه کارگران در دوره قبل، اتحاد و همبستگی و روحیه تشکلی پذیرد و در میان آنان هر چه بیشتر تقویت کنیم. اعتماد به نفس و ایمان به قدرت خود را در میان کارگران هر چه بیشتر بالا ببریم.

همانطور که در مبارزه دوره قبل اعتراضات کارگران به بندهای از پیش نویس محدود و نامتواکلیت آن را مورد حمله قرار داد و همانطور که در دوره قبل سمینارها و اعتراضات و انتقادات مزدوران غانه کارگر، جا سوسان انجمن های اسلامی و شورا های زرد و وابسته به رژیم اسلامی نتوانست و موفق نشد مبارزه کارگران را منحرف کرده و در چهار رچوب پیش نویس محدود کند. باید بکوشیم تا این بار هم طبقه کارگر با مبارزات خود کلیت پیش نویس جدید را مورد حمله قرار دهد و پیش نویس جدید را هم به کنار

همان پیش نویس قبلی بعنوان سند دیگری از شکست رژیم اسلامی در مصاف با طبقه کارگر برترسد.

ما باید با تبلیغ وسیع مطالبات کارگری بخش حداقل برنام که حزب کمونیست و انجمن کلیه وظایفی که قطعاً به دفتر سیاسی حزب در رابطه با مبارزات قانون کار بر عهده ما گذاشته است:

با افتخار مزدوران رژیم اسلامی که خود را مخالف پیش نویس نشان میدهند، با انتقاد به ناپیگیری آن دسته از کارگرانی که خواستار اطلاعاتی در این پیش نویس هستند و با نشان دادن مواضع تصویب این پیش نویس اگر چه اطلاعاتی هم در آن شده باشد، وسیع ترین توده های طبقه کارگر را به مبارزه بر علیه کلیت این پیش نویس فرا خوانیم.

با ایجاد ارتباط مخفی، منظم و مستحکم در بین خود و کارگرانی که مخالف پیش نویس جدید در کلیت آن هستند، هر چه بیشتر صفوف جنبش را دیگال و انقلابی مبارزه علیه پیش نویس جدید قانون کار را تقویت کنیم.

جنبش و مبارزه علیه قانون کار اسلامی اگر بخواد ضعیفهای دوره قبل را نداشته باشد احتیاج به ستون فقراتی منسجم و متشکل، با اهداف و مطالبات روشن، با روابطی مخفی و منظم و مستحکم و ادامه کار دارد که بتواند درست

طبقه در صفحه ۹

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی!

راه کارگر و مهاجرین افغانی

می برد. نمونه‌های زیادی از این بی کفایتی در کار راه کارگر هست، شاید آخرین آنها گزارشی باشد که آقا با زدن خبر به "بیک کارگران" شماره ۲، بهمن ۶۲، تحت عنوان "حرکت اعتراضی توده‌ها بر علیه افغانها" آورده‌اند. اینجا راه کارگر آبروی خود را بر سر مسئله "انترناسیونالیسم" ریخته است. با نام "توده‌ها" و "طبقه کارگر" وارد مطلب شده و با موضع راست‌ترین جناح بورژوازی جهانی، با موضع جریانات فاشیستی بهیرون آمده است. گوش کنی در راه کارگر با شع می نویسد:

"در روز جمعه ۲۵ آذرماه کارگران وزحمتکشان شریف تهران... دست به اعتراض و تظاهرات بر علیه افغانها زدند. در این حرکات توده‌ها با افغانی که بر خورد میگردند او را دستگیر و مورد ضرب و شتم قرار می دادند. پاسداران و نیروهای انتظامی... وقتی مق حرکت و مطقت آن را مشاهده نمودند تحت عنوان دستگیری افغانها وارد میدان شده و افغانها را نجات ندادند... شعار "مرگ بر افغان" در تمام نقاط فوق توسط مردم تکرار می شد... جالب اینجاست که آروز بعد از این واقعه ناطق

نوری وزیر کشور که شرح دزدی‌ها و رشوه‌گیریهای او حتی در مجلس اسلامی هم مطرح شده می گویند افغانها برادران ما هستند. آری وقتی وزیر کشوری دزد و رشوه‌گیر باشد، با بدهم قاچاقچیان بین المللی برادران او باشند" (تاکیدها از ما ست)

اینجا راه کارگر از موضع آشکارا شوونیستی علیه افغانها (یعنوان یک ملت) بطور کلی قلم بدست گرفته است. او از ضرب و شتم افغانی در غربان (بدست توده‌ها!) با حرارت دفاع میکند. او برای شعار "مرگ بر افغان" هورا می کشد، او افغان را معادل "دزد و قاچاقچی" بین المللی میگرد. راه کارگر آشکارا به میتدل‌ترین و رایج‌ترین شیوه‌های فاشیست‌ها و شوونیست‌ترین و نژادپرست‌ترین احزاب بورژوازی در سراسر جهان متصل شده است. در نقل قول فوق از راه کارگر جای "تهران" بگذارید آلمان، انگلستان و یا آمریکا و به جای افغانها بگذارید "ترک‌ها"، "پاکستانی‌ها" و "سپاهان" تا متوجه شوید راه کارگر با چه کسانی هم آواز است و تفکرش با کدام جانوران بورژوا درجه‌بندان خوانایی دارد: نفوقا فاشیست‌های آلمان که در حال اخراج و سیع کارگران ترک‌اند، مارگارت تاچر، حزب محافظه‌کار و فاشیست‌های نوظهور انگلستان که چندین سال است علیه مهاجرین آسیایی دست به تحرکات و

ارباب و ترور مغنی و آشکار می زنند، و ریگان و وکولاکس کلان‌ها که شمار "مرگ بر سپاهان"، "مرگ بر مکزیک" ها و "مرگ بر غارچی‌ها" را با همین حرارت تکرار میکنند. اما شاید سو" تفاهمی شده باشد... شا بد راه کارگر دارد درباره چند افغانی معین حرف می زند که در "روزهای ۲۲ و ۲۳ آذر" دست به جنایات فجیحی زده‌اند، با شا بد راه کارگر حرفا از شوق مشاهده یک آکسیون "توده‌ای" به تبعیت از شعارهای مقب‌مانده این آکسیون سقوط کرده، و خلاصه به اصطلاح به "اکونومیسیم آکسیونی" دچار شده است. اما غیر، ابد چنین نیست. اولاحتی اگر چند (با چند دهه و چند صد) افغانی در تهران (مانند چند ترک در آلمان) با چند مکزیک‌ای در آمریکا) دست به این یا آن جنایت بزنند (که قطعا تا شکستن رکورد او باش محلی رسمی و غیر رسمی هنوز فاصله دارند) ما همچنان به هر جریانی که به این بهانه از شعار "مرگ بر افغان" و از ضرب و شتم بلا تبعیض "افغانی" با حرارت دفاع کند، لقب فاشیست، شوونیست و ضد کارگر می دهیم. چنین اتفاقی هر روز در کلیه کشورهای بی که کارگران از ملیت‌های مختلف در آن به کار روزندگی مشغولند می افتد و "ارتقاء" دادن اعتراضات مردم به اعتراضی علیه "ملت‌ها" و "نژادها" بطور کلی و تبلیغ و غشونت علیه اقلیت‌ها بطور اعم، کار فاشیست - های این کشورها ست که می‌کوشند

برقرار باد جمهوری دمکراتیک انقلابی ایران

کارگران را برحسب ملیت جدا کنند، آنان را به ایرانی و افغانی، فارس و کرد، آلمانی و ترک، انگلیسی - پاکستانی، سفیدوسپاه و قس علیهذا تقسیم کنند، میان آنها تفرقه بیاندازند و آنها را علیه یکدیگر تحریک کنند. کمونیست‌ها در "درس اول" انترناسیونالیسم آموخته‌اند که با بدجلویگان لایزه شدن اعتراضات توده‌ها به کانهایی این چنین شونیستی و نژادپرستانه را بگیرند و اجازه ندهند بورژوازی زحمتکش رادر برابر زحمتکش قرار دهد و خود را از زیر ضربات حمله بیرون بکشد. راه کارگران اینرا که نمیکنند هیچ، خودشان شور و حرارت پرچم ملیت شکسته را بالا برده است.

ثانیا، و از این مهمتر، صحبت خود راه کارگر هم اساسا بر سر "چند افغانی ضرور نیست، گوش کنید:

"طبق آمارهای دولتی بیش از ۳ میلیون مهاجر افغانی به ایران آمده‌اند. این مهاجرت حاصل سیاست ارتجاعی جمهوری اسلامی در دفاع از به اصطلاح "مجاهدین افغانی" می باشد. جمهوری اسلامی با حمایت از دارو دسته ضد انقلابی مجاهدین افغانی و گروههایی که مستقیما با آمریکا و پاکستان در ارتباط هستند میخواهد از یک طرف ضد انقلاب خود را به افغانستان مادر نماید و از طرف دیگر پشتوانه محکمی برای تثبیت خود بدست آورد و از طرفی سیاست کمونیسم ستیزی خود را در مبارزه علیه دولتست انقلابی افغانستان دنبال کند.

همچنین نیروی کار ایرانی رادر اختیار دارد که می تواند در قیمت های مختلف [کذا - احتمالا قیمت ها درست است] از آن استفاده کند و از آن بعنوان چماق بر علیه کارگران ایرانی استفاده می کند، چرا که آنان [یعنی کارگران افغانی] مزد کمتری می گیرند و اکثر کارفرمایان در بخش عمومی بیشتر ما پلنداز کارگران افغانی استفاده کنند (مخصوصا در مورد کارهای سخت بدنی) و با این سیاست سیل افغانها را به ایران سرازیر کرده است که تعداد دزنیادی از آنان نیز عناصر مرشکسوک، قاچاقچی ها و دزدها و افشاران نایاب [معب تعبیر طبقاتی ای!] هستند و بخشی از زحمتکشان افغانی نیز قربانی این سیاست مرگبار شده اند." (تاکیدات و و گروه ها از ماست، پرانتز در اصل است)

می بینید؟ صحبت بر سر ۳ میلیون انسان است که اکثریت مطبعم آنها، با مزد ناازل در کارهای سخت بدنی، به بردگی بورژوازی ایران درآمده اند. اینجا صحبت بر سر کارگران آواره افغانی است، که راه کارگر ملی الظاهر از آنجا که تعدادی عناصر مرشکسوک و نایاب در میان آنهاست، حکم ضرب و شتم و اخراج و "مرگ" آنها را صادر فرموده است. بسیار خوب، چند درم از این سه میلیون نفر از اینگونه "افراد نایاب" تشکیل می شود؟ ۵٪، یعنی ۱۵۰/۰۰۰ نفر؟ ۱۰٪ یعنی ۳۰۰/۰۰۰ نفر؟ راه کارگر می تواند دردمورد نظر خودش را تعیین کند، اما باید

قبول کند (و در متن فوق هم قبول کرده است) که اینها صرفا بخش بسیار کوچکی از یک ملت آواره شده را تشکیل می دهند. درصد عناصر نایاب در درون "افغانی ها" قطعا از درصد بورژواها و اعیان و انصار و اوباش و چاقو کشان شان در ایران بالاتر نیست. مابقی، یعنی اکثریت مطبعم آنها از صدها هزار، بلکه قریب به سه میلیون انسان آوارهای تشکیل می شوند که تبه دلیل سیاست جمهوری اسلامی، بلکه به دلیل فقر، گرسنگی و ناگزیری شرایط شان در افغانستان از مرزها به بیرون گریخته اند و چون متأسفانه افغانستان با "فرانسه" هم مرز نیست و در ایران شده اند! اینها حتی به اذعان خود راه کارگر برای امرار معاش به کارهای سخت تن می دهند، مزد کمتری گیرند و زحمتکشان هستند که بهر حال "قربانی" اند. راه کارگر شمار مرگ بر افغان را علیه این مدها هزار انسان هم طبقه ای ما (از برادر نزدیک ترها؟!) فریاد زده است و برای ضرب و شتم "هر یک از آنها" هورا کشیده است. انسانهایی که دقیقاً در موقعیت کارگران تحت فشار و تمعیش در کلیه کشورهای سرمایه داری، و در بدترین نمونه آن، قرار گرفته اند. راه کارگر تمام اینها را دزد و چانی لقب داده است. راه کارگر تمام اینها را مجاهد افغانی می خواند. (کدام عقل سالم می پذیرد که مدها هزار قاچاقچی افغانی برای بردگی مزدی به ایران سرازیر شوند و با اینکه جریانات اسلامی و ارتجاعی

اپوزیسیون در افغانستان که در تا مین سلاحهای مدرن از ایران و پاکستان و آمریکا و اروپای غربی محدودیتی ندارند، یک لشکر چندمیلیونی را برای انجام کار ارزان در ایران به مرخصی بفرستند و خود در دره "پنجشیر" سرازه ستون های ارتش های افغانستان و شوروی کمین های چند صد نفره بگذارند (۱).

اگر واقعاً راه کارگر به این معتقد باشد باید در عقل روزمره اش هم شک کرد. اما مسئله چیست دیگری است. این موضعگیری ها از روی بی عقلی نیست، از روی ناسیونالیسم افراطی راه کارگر نیست، از روی بی تجربگی "بچه های راه کارگری محلات جنوب غرب تهران" نیست، این از روی همدردی با کارگران بیکار "ایرانی" نیست، این "اکونومیسم آکمیونی" این با آن عده فعال سازمانی هم نیست، این انعکاس منطقی همبستگی تمام و کمال راه کارگر با اردوگا به اصطلاح سوسیالیسم و تبعیت کامل او از سیاست شوروی در افغانستان است. این نتیجه عملی اجتناب ناپذیر سیاست "انترناسیونالیسم رومیزیو-نیستی" است که راه کارگر به تبعیت از آن افتخار میکند. دولت ببرک کارمل، یعنی کپانوری افغانستان، در کابل با حمایت شوروی و در پناه حضور نظامی گسترده شوروی در افغانستان در قدرت است. در مقابل، جریان است ارتجاعی اسلامی که توسط آمریکا و اروپای غربی و ایادی منطقه ای-شان مسلح و حمایت می شوند، بر

نارفاپستی توده های مردم سوار شده اند. دوجریان بورژوازی، در غیاب یک آلترناتیو قدرتمند پروولتیری و انقلابی، یک جنگ گسترده را در سراسر افغانستان دنبال می کنند. ارتجاع اسلامی از ایران و پاکستان بعنوان پشت جبهه خود استفاده می کند. جمهوری اسلامی با تمام قوا به این ارتجاع بان اسلامیتی در افغانستان دامن می زند و به جریانات اسلامی باری میرساند. در این میان راه کارگر نه هوادار آزادی واقعی مردم افغانستان از چنگال هر دو جریان بورژوازی و استقرار حاکمیت کارگران و زحمتکشان به نیروی مسلح خود آنان، بلکه هوادار اروپا غربی حکومت کارمل (که راه کارگر آن را "دولت انقلابی افغانستان" می خواند) و ادامه نفوذ شوروی در افغانستان است. بنا بر این برای خدمت به اردوی محبوب خود باید مبارزه را به سهم خود در ایران دنبال کند و به این پشت جبهه ضربه بزند. و برای یک سالگان سیاسی چهره های ساده تر از دامن زدن به تحریکات ضدافغانی بطور کلی، که با توجه به بیکاری، استفاده دولت و کارفرمایان از مهاجرین افغانی به عنوان نیروی کار ارزان و کارگران اعتصاب شکن، و استفاده دولت از افغانیها در نیروهای سرکوب، در میان اقتضای عقب مانده تر توده های مردم تحت فشار در ایران بُرد پیدا می کند. راه کارگر علاقه ای به همبستگی کارگران ایرانی با کارگران ستمکش و مهاجر افغانی در ایران ندارد. راه کارگر حتی،

بر خلاف یک اکونومیست مبرسای و کج فهم، علاقه ای به حفظ "امتیازات کارگر ایرانی" در مقابل نیروی کار ارزان افغانی ندارد. او دارا زجران و تفرقه در میان کارگران برای تحت فشار گذاشتن جمهوری اسلامی در قبال افغانستان استفاده می کند و در این میان رسوایی جمهوری اسلامی و اپوزیسیون اسلامی و سرسپرده در افغانستان را نیز به خدمت می گیرد تا به تبلیغات شوونیستی خود رنگ "فدامهریسا-لیستی" (که برای راه کارگر فقط یعنی فدامریکایی) بزند. راه کارگر نفرت از جمهوری اسلامی، نفرت از بیکاری، نفرت از سرمایه داری را علیه افغانیها کانا لیزه می کند تا دست و پا ل جمهوری اسلامی را ببندد. او میرید مشتاق اردوگا به اصطلاح سوسیالیسم خویش است. چنان در تکان پوی خدمت کردن به این اردوگا است که ابدا متوجه نیست که در این راه چند اصل و آرمان از اصول ابتدایی کمونیسم را جلوی چشم کارگران آگاه زبرپا گذاشته است.

در آینده، هنگامی که راه کارگر قدری تجربه بیاندوزد خواهد آموخت که نباید چنین افکار گسیخته با شعارهای فاشیستی به میدان آمد و آبروی خود را ریخت، باید قدری جملات را تعدیل کرد، لااقل با ارگراف مربوط به "نیروی کار ارزان" و "کارهای سخت بدنی"، نسخه شده بوده است و بعلاوه نمی بایست این چنین لغت و عوارض را "مرگ بر افغان" با حرارت دفاع کرد. اما تا آن

زمان، چه میشود کرد؟ این راه‌ها رگراست، رویزونیست بی هنر، دلفک اجتناب‌ناپذیر همیشه.

دربار تلاشهای این جریان‌ها تفرقه‌انداز و شوونیست، کارگران آگاه ایران وظایف روشنی بر عهده دارند:

بدو این باید برای همه روشن باشد که همچنان که طبقه کارگر طبقه‌ای جهانی است، نوکری بورژوازی و دشمنی با طبقه کارگر نیز تابعیت ملی ندارد. ارتجاع غذاگرمی نیز ملیت نمی‌شناسد. بنا بر این باید در سطح جامعه و در محیط‌های کارگری با هر مزدور دشمن، چه در شمال جیره‌خواران بومی، رژیم در سپاه، کمیته‌ها، انجمن‌های اسلامی و غیره و چه در لباس مهاجر افغانی که اجیر ارگانهای سرکوب جمهوری اسلامی شده‌است، قاطعانه مبارزه و مقابله کرد. تمام بحث بر سر اینست که نباید اجازه داد تعصبات ملی بر درک روشن از منافع متفاد طبقه‌ای ناپسند بیافکنند. بنا بر این بحث بر سر هویت ملی ایرانی - افغانی نیست، بلکه بر سر موضع و منافع طبقه‌ای است.

اما ما درباره حضورت و وسیعی از زحمتکشان افغانستان در ایران سخن می‌گوئیم که به حقارت‌آمیزترین وجهی به بردگی مزدی سرمایه در ایران آمده‌اند، از سر تا آگای، استیمال و نیازمندی، نیروی کار خود را ارزان می‌فروشند، به کارهای سخت‌ترین می‌دهند و به

عاملی برای فشار بر بخش‌های پیشرو طبقه کارگر بدل می‌شوند. وظیفه ما در اینجا اساساً انجام وظایف هر کمونیست انقلابی برای حفظ و تحکیم وحدت درونی طبقه کارگر است. بی‌کاران، زنان، اقلیت‌های ملی و دیگر بخش‌های محروم و طبقه کارگر به دفعات محدودترین مورد استفاده بورژوازی قرار گرفته‌اند. وظیفه ما در اینجا، چون همیشه، محروم کردن بورژوازی از صلاح تفرقه‌وازمیان بردن رقابت در صفوف طبقه کارگر است. از اینرو:

اولاً، باید در تبلیغات خود دائماً بر همبستگی میان کارگران ایرانی و کارگران محروم و مهاجر افغانی و هم سرنوشتی آنان تا یکدیگر کنیم. باید دشمن مشترک آنان، سرمایه‌داری، بورژوازی، جمهوری اسلامی و ارتجاع پان-اسلامیست را مداوماً به آنان بشناسانیم و آنان را در مبارزه علیه این دشمن مشترک همبستگی و وحدت فرا بخوانیم.

ثانیاً، باید خطاب به کارگران مهاجر افغانی، آنان را از هر نوع حمایت از اپوزیسیون اسلامی در افغانستان (و احتمالاً حمایت از دولت توده‌ای-راه‌کارگری این کشور) برحذر داشت. حضور کارگران افغانی در ایران در مقیاس وسیع، جایی که در آن طبقه کارگر انقلابی مغلوب را پشت سر نهاده‌است و از پیشرویه‌ها و شکست‌های خود تجاوز زیادی اندوخته‌است، جایی که احزاب رویزونیست و جریان‌های اسلامی هر دو ماهیت غذاگرمی خود را به نمایش گذاشته‌اند، می‌تواند

به آموزش انقلابی تعداد زیادی از پیشروترین کارگران مهاجر افغانی باری رساند. کارگران آگاه ایران در مهال‌ها چهرین افغانی همان نقش آگاه‌هاگرا نه و سا زمان دهنده‌ای را بر عهده دارند که کارگران انقلابی روسیه در آغاز قرن اخیر در قبال زحمتکشان مهاجر ایرانی به انجام رساندند. ثالثاً، سیاست تفرقه‌افکنی بورژوازی در میان کارگران و تمام تعصبات شوونیستی و تبلیغات رویزیونیستی‌ای را که در خدمت این سیاست است، باید پیگیری افشا کرد. ما نباید اجازه بدهیم بورژوازی در میان کارگران، بر حسب جنسیت، قومیت، مذهب، نژاد، شاغل و بی‌کار بودن، قدیمی و جدیدی بودن و نظیر آن چند دستگی ایجاد کند. تنها راه جلوگیری از سوء استفاده جنسوری اسلامی و صاحبان سرمایه از موقعیت ناامن و ناپسندمان مهاجرین افغانی در جهت انتعاش‌شکنی و اعمال فشار بر مبارزات کارگری، مبارزه در جهت فائق آمدن بر عقب ماندگی سیاسی آنها، متشکل کردن آنها و تلاش برای بهبود شرایط مادی زندگی و کار آنهاست. آن انسان محروم، بی حقوق، لگد مال شده و ناآگاهی که برای اجازه مرار معاش داشتن سر نهاده و دریافت جیره غذایی تنها ما به جمهوری اسلامی وابسته نگاه داشته شده‌است، ممکن است به سهولت به ابزار انتعاش‌شکنی و سرکوب بدل شود. باید به کارگران افغانی توضیح داد که راه بهبود وضع آنان ناپسند و وابستگی و تمکین به جمهوری

بقیه از صفحه ۳۰

موضع پورتنویستی اقلیت ...

میخواهد به اصول و به "ریشه‌های" درگیری بپردازد! البته اگر اقلیت از این طریق میخواهد دیگران را مبهوت بشود، محیر - العقول خویش بنماید، خودش بهیچوجه دچار سرگردانی نیست! و هم از لحاظ فنی و حقوقی و هم از لحاظ اصولی و طبقاتی جانب حزب دمکرات را گرفته است! هم میباید بودن حزب دمکرات را برده‌پوشی می‌کنند و هم سیاست درگیری طلبانه او را. در برابر آن کومه‌له راه ادامه دهند درگیری مینامد و هم سیاست مبتنی بر اجتناب از درگیری او را برده‌پوشی می‌کنند. هم سیاست بورژوازی حزب دمکرات را پرولتری سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومه‌له) را انکار مینماید و علیه آن موضع میگیرد. بطور خلاصه، اقلیت به حزب دمکرات و از این طریق به بورژوازی خدمت میکند.

شعب زکریاشی
اردیبهشت ۱۳۰۳

درقبال مهاجرین افغانی، ما باید ضمن مقابله قاطع با هر نوع اعتصاب شکنی و مزدوری دشمن طبقاتی و حکومت اسلامی او، از جانب هر فرد و جماعتی با هر ملیت و تابعیت، اصل را بر آگاهگری، تبلیغ وحدت طبقاتی و تلاش در جهت ایجاد یک گرایش پیشرو و متشکل از زحمتکشان آگاه افغانی در ایران قرار دهیم. ما میباید کاری کنیم که در مقابل جمهوری اسلامی و امثال راه‌کارگر، که هر یک برای دفاع از منافع بورژوازی معین، بر عقب ماندگی بخشی از زحمتکشان تکیه می‌کنند، راه مبارزه انقلابی مشترک، یکپارچه و متحد کارگران ایرانی و زحمتکشان مهاجر افغانی علیه سرمایه‌داری و حکومت اسلامی آن هر چه هموارتر گردد.

منصور حکمت

۶۳/۲/۱۵

بقیه از صفحه ۴

لزوم مبارزه علیه ...

ترین شرایط هم پایدار بماند و به مبارزه اش ادامه دهد، نیروهای حزبی باید به چنین ستون فقراتی در جنبش قانون کار تبدیل گردند.

رضا مقدم

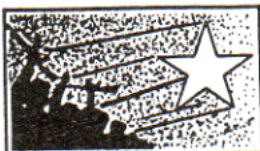
اردیبهشت ۶۰

اسلامی، بلکه همبستگی با مبارزات کارگری در ایران است. در همین حال باید همواره در تبلیغات، دقیقاً برخلاف راه‌کارگر، بر یگانگی کارگران، مستقل از هر تفاوت قومی، نژادی، جنسی و غیره تاکید گذاشت. مفاد مطالبات کارگری بخش حداقل برنامه حزب کمونیست حق فوری هر کارگری است که در ایران کار می‌کند. در هیچ کجای مطالبات کارگران کمونیست و انقلابی نشانسی از ملیت افراد دیده نمی‌شود. رفقای ما باید قاطعانه هرگونه شایبه ملی، مذهبی، شوونیستی و تبعیض‌گرایانه را با توضیح و ترویج و با طرح شعارهای اصولی، از مطالبات جنبش کارگری بزدایند.

و بالاخره رفقای ما باید با تعصبات شوونیستی و سم پراکنی-های بورژوازی در میان توده مردم آگاهانه مقابله کنند. استناد به این یا آن دزدی و جنایت افرادی از یک اقلیت ملی و نژادی برای کوبیدن یک ملت و یک نژاد، هر چه قدیمی راست افراطی است. ما باید مبنای واقعی این تعصبات کور، یعنی آن عوامل اجتماعی و اقتصادی ای را که از یک سو بخش محروم جامعه را با خطر لومینیس مواجه میکند و از سوی دیگر بورژوازی را قادر می‌سازد تا بخش‌هایی از زحمتکشان را علیه بخش دیگر آن تحریک کند و خود را بر این نگاهدارد، به توده‌های شریف مردم بشناسانیم.

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری!

در کردستان انقلابی...



اعتراضات و مبارزات آنان سر تسلیم فرود آورد و جوانان دستگیر شده را آزاد نمود.

در منطقه افشار مردم روستای "قوجه" بدنبال دستگیری عده‌ای از جوانان توسط نیروهای دولتی دستجمعی به شهر تکاب رفتند و پس از دو روز اعتراض و مبارزه موفق شدند آنان را آزاد نمایند. لازم به یادآوری است که این چندمین بار است که نیروها عجزیم این روستا و روستاهای دیگر بخش افشار را جهت سرپازگیری مورد هجوم قرار می‌دهند و هر بار با اعتراض و مقاومت مردم روبرو شده و سیاستشان با شکست مواجه می‌شود.

در ناحیه کامیاران تعداد زیادی از جوانانی که توسط رژیم دستگیر و به سربازخانه‌ها و مراکز نظامی رژیم فرار کردند. در ناحیه بوکان ۸ تن از سربازان تازه اعزام شده که توسط رژیم مسلح شده بودند از پایگاههای منطقه فرار کردند و به پیشمرگان کومه‌له ملحق شدند. همچنین نیروهای جمهوری اسلامی در روستاهای اورامانات و در روستاهای "گلّه" "ایسوله"، "زویران"، "گیلی کران" "ماسیدر"، "ساوولیمان" "شیخ عطار"، "میدول"، "موفی بله"، "آلی همدان"، "قتون"، "گلچیدر" و "تازه آباد"، از توابع مریوان تعدادی از جوانان را بقصد اعزام به سربازی دستگیر نمودند.

در این ماه همچنین مبارزات افراد بسیج اجباری در مناطقی

سروری کوتاه بر مبارزات مردم زحمتکش و انقلابی کردستان علیه جمهوری اسلامی

نظیر کنترل جاده‌ها، بازپسند آتوموبیل‌ها در مسیرهای پررفت و آمد و حمله به اجتماعات مردم دست زد.

در شهر سنندج نیروهای رژیم در محلات فقیرنشین شهرشانه به منازل مسکونی مردم بی‌موش بردند و همچنین به اجتماعات مردمی که از گردش بازمی‌گشتند حمله ور شده و تعدادی از جوانان را دستگیر و به سربازی اعزام نمودند. اکثر دستگیرشدگان علیرغم اقدامات شدید امنیتی در مراکز نظامی رژیم، موفق به فرار از این مراکز شدند.

در شهر دیواندره نیز نیروهای دولتی ضمن کنترل جاده‌های دیواندره - سنندج، دیواندره - سقز و کلیه راههای منتهی به روستاهای اطراف، ورود و خروج مردم از شهرک تحت کنترل و بازرسی شدید قرار داده و تعداد زیادی از جوانان را بقصد اعزام به سربازی بازداشت کردند. خانواده‌های دستگیرشدگان بعضی دریافت خبر دستگیری فرزندان شان راهی شهر دیواندره شدند و علیه این اقدام ضد دیکراتیک و سرکوبگرانه رژیم دست به اعتراض زدند. جمهوری اسلامی نیز به ناچار در مقابل

طبق گزارشهای مادی انقلاب ایران و نشریه "پیشرو"، مردم مبارز کردستان در پاسخ به فراخوان کومه‌له برای تحریم انتخابات جمهوری اسلامی، در مناطق مختلف کردستان، از جمله سنندج، مریوان، دیواندره، سقز، بانه، سردشت و شمال کردستان فعالانه این انتخابات را تحریم کردند. "پیشرو" شماره ۱ گزارش چگونگی تحریم انتخابات بوسیله مردم انقلابی کردستان را بجا ب رسانده است.

طی این ماه مردم زحمتکش و مبارز کردستان، همچنین به اشکال گوناگون در برابر سیاستهای سرکوبگرانه و ضدانقلابی جمهوری اسلامی، مانند سربازگیری، بسیج گیری و کوچ دادن اجباری، غمباره باران، اذیت و آزار و دستگیری دست‌مبارزه و اعتراض زدند.

رژیم جمهوری اسلامی بدنبال پیاده کردن سیاست ارتجاسی سربازگیری اجباری خود، علاوه بر بکار گرفتن شیوه‌های معمول سرکوب، مانند بیورش نظامی، دستگیری، خانه‌گردی، معاصره روستاها و گروگان گیری از والدین جوانان، بشیوه‌های دیگری

هجوم وحشیانه و وسیع نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی به منطقه جنوب کردستان و مقاومت و دفاع حماسی و انقلابی پیشمرگان کومه‌له

دشمن سازمان دادند و درگیر سبزی سخت و سنگر به سنگر با نیروهای دشمن شدند. نیروهای مزدور دشمن طی این نبردها با توب و خمپاره و گانجوشا مواضع رفقای پیشمرگ و دهات اطراف را شدت می‌کوبیدند. شدت نبردها حدی بود که در هر یک از جبهه‌ها جنگ ۱۵-۲۰ ساعت در روز جریان داشت در نواحی مریوان، دیواندره، سنندج و سقز طی یک سلسله نبرد های سخت که بعدت ۵ روز بطول انجامید صدها تن از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند و خسارات فراوانی به نیروهای رژیم وارد آمد.

متأسفانه طی این نبردهای حماسی، حزب کمونیست ایران **A** تن از رفقای رزمنده و انقلابی **A** تن از یاران فداکار و کمونیست خود را از دست داد. این رفقا در راه برقراری دموکراسی انقلابی و سوسیالیسم و در نبرد علیه رژیم سرکوبگر و اشغالگر جمهوری اسلامی جان خود را از دست دادند. یادشان گرامی و راهشان پهروز باد.

دفتر سیاسی حزب کمونیست ایران و کمیته مرکزی کومه‌له به‌عناایت شهادت این رفقای پامیای تملیعی به رفقای کمیته منطقه جنوب و به پیشمرگان رزمنده کومه‌له ارسال داشته‌اند. متن این پیامها بدین‌قرار است:

نیروهای مزدور و سرکوبگر جمهوری اسلامی از روز ۲۴ اردیبهشت ماه تا اول خرداد هجوم وحشیانه و گسترده‌ای را علیه پیشمرگان و مردم زحمتکش کرد در منطقه جنوب کردستان سازمان دادند. رژیم اسلامی برای این یورش وحشیانه تدارک وسیعی دیده‌بود و هزاران نفر از نیروهای اشغالگر خود را از چند روز قبل در پادگانهای شهرهای سنندج، مریوان، دیواندره، سقز و پایگاههای اطراف جمع‌آوری کرده‌بود.

جمهوری اسلامی بعدت ۵ روز و از چند جبهه مختلف بسوی پیشمرگان و مردم یورش آورد و هزاران نفر از نیروهای مزدور خود را وارد عملیات نمود. رفقای پیشمرگ در تمام جبهه‌ها جورانه و خستگی‌ناپذیر دفاعی حماسی، فعال و انقلابی را علیه هجوم

اعتراضات علیه بسیج گیسری اخباری ادامه داشت و رژیم در هراس از اینکه از این سلاحها علیه خود او استفاده شود به ناچار در بعضی از روستاهای این بخش خود افراد بسیج اجباری را خلق سلاح نمود.

همچنین در بسیاری از روستا-های همین بخش افراد بسیج اجباری در ادامه مبارزات خود بمشور تحویل سلاحهای تحمیلی رژیم و اعتراض علیه سیاست ارتجاعی بسیج گیسری رژیم به

ار کردستان، که هنوز موفق به باریس دادن سلاحهای رژیم نشده بودند، با شدت بیشتری حریبان داشت. در این مدت اغلب بخشهای منطقه جنوب کردستان از "زاوه-رود" و "کلانترزان" گرفته تا "قمری" و "سارال" شاهد مسارزات و اعتراضات گسترده امرا-بسیج اجباری برای باریس دادن سلاح-های تحمیلی رژیم بود.

در بخش "قمری" دیواندره به روز مطلع شده‌های پروستای "شریف آباد"، "علی‌آباد" و "توریر-خاتون" در ادامه اعتراضات قلبی خود به مبارزه پرداختند و بعنوان اعتراض بطور دسته‌جمعی بطرف شهر دیواندره حرکت کردند و دست به اعتراض و نظاها در خیابانها و ادارات دولتی این شهر زدند. پس از آن افراد بسیج اجباری هر سه روستا تعدادی را بعنوان نماینده از میان خود انتخاب کرده و به شهرهای سنج کرمانشاه و دیواندره فرستادند که از این اقدام هم نتیجه‌ای نگرفتند. سرانجام تمام افراد بسیج اجباری روستای "شریف-آباد" به شهر دیواندره رفتند و سلاحهای رژیم را بر زمین گذاشتند و اعلام نمودند که دیگر حاضر نیستند به اجرای سیاستهای سنگین و ضد دموکراتیک رژیم خدمت کنند. نیروهای رژیم چندبار سعی نمودند مسیر آنان را سد کنند که در هیچ مورد موفق نشدند و در یک مورد مسئول سپاه پاسداران از دست‌یگی از زنان مبارز کنگ خورده محروم شد.

در بخش "زاوه رود" نیز

پیام تسلیت دفتر سیاسی حزب کمونیست ایران

بنامسبت شهادت ۸ تن از پیشمرگان کومه له در نبردهای اخیر جنوب کردستان

رفقای کمیته مرکزی سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومه له) !
رفقای کمیته منطقه جنوب کردستان!
پیشمرگان قهرمان کومه له!

بنامسبت شهادت ۸ تن از رفقایمان در نبردهای اخیر جنوب کردستان با اندوه و تالم فراوان به شما و به مردم زحمتکش کردستان تسلیت می‌گوئیم.

این رفقا در راه‌های طبقه‌ی جان باختند که خود هر روز و هر ساعت در زیر یوغ ستم و استثمار سرمایه‌داری جان می‌کند. آنها جان خویش را فدای آرمانی کردند که مبشر سعادت و خوشبختی و راهی کل بشریت است. و بالاخره این رفقا به کاروانی پیوستند که سرفاقله آن کموناهای به خون غلطیده پاریس و اعضای آن بلشویکهای جان باخته پتروگراد و ده‌ها و ده‌ها هزار کمونیست شهید در سراسر جهان است.

گرچه شهادت رفقا و کمونیستهای تلخ و ناگوار است اما دره عمیق بین دودنیای سرمایه‌داری و سوسیالیسم را خاکستر جان باختگان آرمان و الای کمونیسم پرمیما زد و کمونیستها در راه تحقق این آرمان، جان برکف، به مبارزه‌ای سخت و بی‌امان، به مبارزه‌ای فارع از هر نوع تردید و تزلزل علیه نظام سراسر حنایت و گشتا رواستما سرمایه‌داری می‌پردازند.

از خودگذشتگی و جان‌بازی کم‌نظیری که فرزندان آگاه زحمتکشان کردستان در این مبارزه خوین علیه جمهوری اسلامی این سمبل توحش و بربریت از خود نشان میدهند خودبیا نگر این واقعیت است که جنبش انقلابی کردستان تا رسیدن به اهداف خود پایداری و مستحکم خواهد ماند و پیروزی بطور قطعی از آن کارگران و زحمتکشان خواهد بود.

شهادت تعدادی از فرزندان طبقه کارگر، تنها عزم و اراده ما و طبقه‌مان را برای رهایی از چنگال معائب سرمایه‌داری، برای نابود کردن و به‌گور سپردن این نظام سراسیم و استثمار و ایجادا معیبه‌ی نوین را سخت‌تر می‌سازد.

پیروزها جنبش انقلابی خلق کرد

مرگ برج‌جمهوری اسلامی

زنده باد سوسیالیسم

دفتر سیاسی حزب کمونیست ایران

۱۳۶۳/۳/۵

پیروز با جنبش انقلابی خلق کرد

پیام تسلیت کمیته مرکزی کومه‌له
بمناسبت شهادت ۸ تن از رفقای پیشمرگ کومه‌له در نبردهای اخیر جنوب کردستان

رفقای کمیته منطقه جنوب کردستان!

پیشمرگان قهرمان تیب ۱۱ سنج وگردان شاهو!

بمناسبت شهادت رفقا: کاک ایوب نبوی عضو کمیته منطقه جنوب کردستان

- اسمعیل قبادی فرمانده گردان وعضو حزب کمونیست ایران

- مالمع تنهایی فرمانده پل وعضو حزب کمونیست ایران

- محمدحاجی مشول سیاسی دسته و مشول پزشکی گردان و پیش عضو حزب

کمونیست ایران

- هادی فلاحی پیش عضو حزب کمونیست ایران

- محمدحسین سهراب نژاد مشهور به کاک عمر پیش عضو حزب کمونیست ایران

و مشول تیمی از پیشمرگان

- جمشید ناره پیشمرگ آگاه و انقلابی کومه‌له و سرپا حزب کمونیست ایران

- شهرام سجانی مشهور به کاک خلیل پیش عضو حزب کمونیست ایران.

در سربدهای اخیر جنوب کردستان، از مصمم قلب شما تسلیت می‌گوئیم.

این رفقا در حرمان یکی از سرخسها به تیرین سربدهای کردستان، در جریان دست وپنجه نرم کردن

پیشمرگان کومه‌له با هارترین رژیم تاریخ ایران شهید شده‌اند. این رفقا، در راه شرافتمدانه تیرس،

انسانی تیرس و رهایی بخش تیرس آرمانها، در راه دفاع از حقوق محنت زدگان کردستان، در راه دفاع

از آزادی و سوسیالیسم و در نهایت سر بلندی و سرفراری جان باخند.

با اردست دادن رفیق ایوب و رفقای پیش زحمتکشان جنوب کردستان تعدادی از انقلابی تیرس و

دلسوزترین بیثاهنگان و رهبران خود را از دست دادند. این رفقا پیشاهنگان دلاور و دلسوران نزدیک

زحمتکشان جنوب کردستان و یارویا ورمحبوب آنان بودند.

کدام خانواده زحمتکش و فقیر در شهر سنج یا شهردیواندره ویا در روستاهای این نواحی یافت

میشوند که کاک ایوب را همچون فردی از خانواده خود شناخته باشد و هم اکنون در اندوه از دست دادن

کاک ایوب بسرنبرد؟ هرگز اندوه از دست دادن این رفقا از یاد نخواهد رفت. اما همچنان راهشان

و آرمانشان که راه کارگران و آلمان کارگزار است همواره در قلبمان و در اندیشه مان و در فعالیت

روزمره مان زنده است.

آن آلمان تاریخی که این رفقا در راهش جان باختند، راهی است که هم اکنون توسط هزاران

کمونیست و انقلابی در پیش گرفته شده و در آینده نیز بیگمان ناهدمغوف میلیونی زحمتکشان و راهبان

دلسوز دلاور این راه خواهدیم بود.

مایکا ردیگر سید عهد میکنیم که تا سبیل به فلک رفیع پیروری تا گسستن حلقه حلقه زنجیرهای

سرمایه داری اردست و پاید کارگران و زحمتکشان لحظه ای از پان نشینیم.

مایکا ردیگر شما سبت شهادت این رفقا، شما و همه پیشمرگان کومه‌له و به توده های مردم

کردستان و بخصوص مردم منطقه جنوب کردستان و سبیزه بمردم ما رز شهر و روستاهای سنج و دیواندره

تسلیت میگوئیم.

کمیته مرکزی آلمان کردستان حزب کمونیست ایران - کومه‌له - پنجم خرداد ماه ۱۳۴۳

شهر سنج رفتند و سلاحهای
تعمیلی را بر زمین گذاشتند.
افراد بسیج اجباری اروستا
در منطقه سارال نیز موفق شدند
بطور دستجمعی سلاحهای تعمیلی
را به رژیم بازپس دهند.

در منطقه "قلغانی" از توابع
کرمانشاه، بدنیال سفر هیاتی از
حاکم رژیم به این منطقه، که
مصد داشت افراد بسیج این
منطقه را عازم جبهه‌های جنگ
کند، کشمکشهایی بین نیروهای
دولتی و افراد بسیج این منطقه
روی داد که در جریان آن عده
زیادی از بسیجیان پایگاه‌ها و
مراکز نظامی رژیم را ترک کردند.
نیروهای دولتی قصدخلع سلاح آنان
را داشتند که موفق نشدند.

از طرف دیگر در ناحیه بانه و
پیرانشهر نیروهای رژیم تلاش
نمودند تا به زور مردم روستاهای
"بوئین" و "چیچوران" از توابع بانه
و "لکین" از توابع پیرانشهر را مسلح
کنند که با اعتراض مردم این توطئه
خنثی شد. مردم روستاهای "بوئین"
و "چیچوران" به نیروهای رژیم
گفتند که: «به تنها اسلحه شما را
بر نمی‌داریم، بلکه با استقرار
پایگاه‌های نظامی در این منطقه
نیز مخالفیم».

علاوه بر این، مردم مبارز
بخشهای مختلف کردستان در برابر
شیوه‌های دیگر سرکوب و فشا نیرو-
ها رژیم به اعتراض و مبارزه
برخواستند.

اهالی روستاهای "علی آباد"
"تازه آباد"، "آبلاغ" و "خنجره" از

گرامی باد یاد

جانباختگان راه سوسیالیسم

کمونیستها جان باختگان خود را در هاله‌ای از تقدس خرافی و
مذهبی نمی‌بینند، زیرا جانباختن در راه رهایی لازم به پروزی
طبقه‌ای است که هر روز و هر ساعت نوجوانانش، پیرمردان و
پهروزانش و میلیونها زن و مردش در کارخانه‌ها، معادن و مزارع
و در کل بدویتی که بورژوازی آن را جامعه نامیده است،
می‌میرند و زنده میشوند.

جان باختگان کمونیست گرامی و فراموش ناشدنی اند، زیرا
در راهی تا به آخر جنگیده و باز نایستاده‌اند که خود گرامی
و مقدس است:

راه رهایی طبقه کارگر و کل بشریت از نظام استعمار وستم
سرما به داری و بی افکندن جامعه‌ای نوین و ناپیسته انسان آزاد،
اگر کمونیستها در زندگی هر روزه خود آموزگار کارگران
در امر انقلاب رها شهبخش کمونیستی اند، کمونیستهایی که
قهرمانانه در این راه به استقبال مرگ می‌شتابند، گرامی-
ترین آموزگارانند. زیرا آنان استعمال، زبونی و ناتوانی
بورژوازی و بیحاصلی دستگاه قهر و سرکوب او را در برابر
اراده استوار کارگران انقلابی به روشنترین وجه به شسوت
می‌رسانند. گرامی باد یاد جان باختگان راه سوسیالیسم!

دروغ پر انتلابیون کمونیستی که در سنگرهای کردستان انقلابی و در سیاه چالهای جمهوری اسلامی جان خود را در راه آزادی و سوسیالیسم فدا کردند.

مقدمه: در طی ماه اردیبهشت حزب کمونیست ایران در سنگرهای
کردستان انقلابی و در مبارزه برای دفاع از منافع مستقل طبقه
کارگر و برافراشته نگاهداشتن پرچم دموکراسی انقلابی ۱۸۰ تن
از رفقای رزمنده و انقلابی خود را از دست داد. در این شماره با
معرفی این رفقا با دشان را گرامی می‌میداریم. راهشان پیروز باد.

رفقا:

۱- پیشمرگان آگاه و انقلابی
کومه‌له که در سردی قهرمانانه
در تاریخ دهم اردیبهشت ماه
۶۳ در مسیر جاده مریموان -
سنجد دلیرانه جنگیدند و

۱- امیر غلامحسین نژادیان
(عضو ح.ک.ا. و مسئول
سیاسی گردان شوآن)

۲- خلیل عباسی

۳- محمد حسین مهرکی

جانشان را در راه آزادی و سوسیالیسم و پیروزی جنبش انقلابی در کردستان فدا کردند.

۴- جبرئیل رحیمی
(پیش مضمون ک. ا. ک. ۰۱.)

پیشمرگ پیشرو ورزمنده و معاون فرمانده دسته روز بیست و چهارم اردیبهشت ماه ۶۳ در نبردی در محور مریوان - سنقر در محلی بنام ده راودویسه طی یک عملیات جسورانه کمین جانباخت.

۵- علی رشیدزاده
(پیش مضمون ک. ا. ک. ۰۱.)
و معاون فرمانده دسته)

پیشمرگ پیشرو ورزمنده کومه له و معاون فرمانده دسته که طی نبردی با نیروهای رژیم جمهوری اسلامی در منطقه فیض الله بیگی بوکان در بیست و چهارم اردیبهشت ماه ۶۳ جانش را فدا کرد.

۶- مدیح فرج پور

پیشمرگ آگاه و انقلابی کومه له که طی نبردی سرسختانه با نیروهای رژیم اسلامی در منطقه فیض الله بیگی بوکان در روز بیست و پنجم اردیبهشت ماه ۶۳ جانباخت.

۷- جمشید ناوه

پیشمرگ انقلابی که طی نبرد با نیروهای جمهوری اسلامی در جنوب کردستان در بیست و هشتم اردیبهشت ماه ۶۳ جانباخت.

۸- صالح افراسیابیان
(پیش مضمون ک. ا. ک. ۰۱.)

پیشمرگ پیشرو و انقلابی کومه له و مسئول تدارکات پهل روز بیست و نهم اردیبهشت ماه ۶۳ طی نبردی قهرمانانه با مزدوران اشغالگر در بخش سورکیو بانه جان خود را از دست داد.

۹- حسن نادری
(مضمون ک. ا. ک. ۰۱.)

پیشمرگ انقلابی و پیشرو کومه له و عضو و مسئول کمیته بخش

بقیه از صفحه ۱۴

موروی کوتاه بومبارزات ...

توابع بخش سا را ل سنندج در برابر نیروهای رژیم که قصد کوچا نیدن اجباری آنها را داشتند، دست بمقاومت زدند و تن به این سیاست ارتجاعی و ضددمکراتیک ندادند.

طی این ماه در اثر غمباره - باران، توپ باران، برخورد با مینهایی که مزدوران رژیم در مسیر رفت و آمد مردم گار گذاشته بودند، و در اثر تیر - اندازیهای نیروهای سرکوبگر رژیم اسلامی بسوی مردم و تظا - هرات روستائیان ۲ نفر از مردم روستاهای تحت اشغال کردستان جان خود را از دست دادند و ۲۳ نفر نیز زخمی شدند، که در میان آنها تعدادی کودک خردسال و زن باردار نیز دیده میشود.

همچنین نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی طی یورش وحشیانه خود به منطقه جنوب کردستان در اوغیر اردیبهشت ماه، پس از تحمل شکنجه سخت در یکی از جبهه های نبرد، ۳ نفر از زحمتکشان روستای "خالواژ" را از خانه هایشان بیرون کشیدند و حاجبا اعدام نمودند.

نگاهی به مبارزات توده های زحمتکش و انقلابی کردستان نشان میدهد که علیرغم سرکوب و اعمال تضییقات و فشارهای شدید جمهوری سرکوبگر اسلامی، مردم مبارز و انقلابی کردستان همچنان به مبارزات خود علیه این رژیم ارتجاعی و سرکوبگر و سیاستهای ضددمکراتیک آن ادامه میدهند.



**عملیات نظامی پیشمرگان
کومه له بمناسبت
اول ماه مه**

پیشمرگان سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومه له) بمناسبت اول ماه مه، روز جهانی کارگر، چندین عملیات نظامی علیه نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی طرح ریزی کرده و در مسافت مختلف کردستان با جرات درآوردند. طی این عملیاتهای موفقیت آمیز خسارات و تلفات زیادی بر نیروهای جمهوری اسلامی وارد شد. در اینجا خلاصه‌ای از این عملیاتها را نقل میکنیم:

دیواندره

رفقای پیشمرگ گردان چپا در یک عملیات موفقیت آمیز که برای بزرگداشت اول ماه مه طرح ریزی شده بود، دکل مخابراتی "فیلان" تاقی واقع در مسیر جاده دیواندره - سقز را که از اهمیت ویژه‌ای برای جمهوری اسلامی برخوردار بود و برای محافظت از آن پایگاهی در نزدیکی آن مستقر شده بود، منفجر کردند. در اثر این انفجار این دکل مخابراتی بکلی منهدم شد.

رفقای پیشمرگ از گردان کاوه یک عملیات دیگر در دیواندره در ۳ کیلومتری شهر تکاب و ۸ کیلومتری عمق پشت جبهه دشمن بمناسبت اول ماه مه انجام دادند.

شبانگاه یازدهم اردیبهشت رفقای گردان کاوه

مرغوز، از توابع سقز در مقابل با هجوم و حشبانه رژیم در روز بیست و هفتم اردیبهشت ماه ۶۲ در ناحیه سقز جان باخت.

عضو حزب کمونیست ایران و عضو کمیته منطقه جنوب کردستان و کارآموز چپره محبوب و سرشناس توده‌های مردم بوپژ در جنوب کردستان که بر اثر ترسکش توپ دشمن مجروح شده بود پس از ۲۴ ساعت تلاش شبانه روزی و بی وقفه پزشکان بر اثر شدت جراحت وارد جان خود را از دست داد.

عضو حزب کمونیست ایران و فرمانده کاروان گردان شاهو

عضو حزب کمونیست ایران و فرمانده پل

پیش‌عضو حزب کمونیست ایران و مسئول سیاسی دسته و مسئول پزشکی گردان

پیش‌عضو حزب کمونیست ایران

این رفقا طی نبردی قهرمانانه و سرسختانه در روز بیست و سوم اردیبهشت ماه ۶۲ در منطقه سرخو سقز روستای "کدلان" که منجر به تلفات سنگین بر دشمن اشغالگر و سرکوبگر گردید، جان خود را در راه برقراری دموکراسی انقلابی و سوسیالیسم فدا کردند.

این رفقا طی نبردی وسیع و قهرمانانه که منجر به تلفات سنگین دشمن گردید در روز سی و یکم اردیبهشت ماه ۶۲ در منطقه کلاترزان و کوماسی ناحیه مریوان جان باختند.

۱۰- ایوب نبوی

۱۱- اسمعیل قبادی

۱۲- صالح تنهایی

۱۳- محمد حجازی

۱۴- هادی شلمانی

۱۵- محمد حسن سیراب نژاد
(پیش‌عضو ج. ک. ا.)

۱۶- شهرام سخانی
(پیش‌عضو ج. ک. ا.)

۱۷- علی نهکبخت

پیشمرگ انقلابی ورزمننده کومه له و معاون فرمانده دسته که در نبردی وسیع و قهرمانانه که منجر به تلفات سنگین دشمن گردید درسی و یکم اردیبهشت ماه ۶۳ در منطقه خورخوره دیواندره جان خود را از دست داد.

۱۸- امین بهمانی

زحمتکش انقلابی و کمونیست هوادار کومه له بر اثر ترکش توپ مزدوران جمهوری اسلامی در بیست و نهم اردیبهشت ماه ۶۳ در منطقه سرشیوسفر جان باخت.

پس از عبور از میان چندین مقر و پایگاه نیروهای دشمن در ۳ کیلومتری شهر تکاب به روستای "چیدره" وارد شدند و ضمن معاشره مقر نیروهای جمهوری اسلامی مستقر در این روستا و کنترل کامل تمام راههای نفوذی به شهر و پایگاه های اطراف، بطور هماهنگ و همزمان از چند طرف مقر دشمن را با آرزپی جی و سلاح های سبک مورد تعرض قرار دادند. این عملیات یک ساعت بطول انجام میداد تعداد زیادی از نیرو های دشمن کشته و زخمی شدند و ساختمان مقر بطور کامل آتش گرفت.

مربیان

رفقای پیشمرگ گردان شاهو در عملیاتی بمناسبت اول ماه مقر نیروهای رژیم را در روستای "بوغلو"، واقع در مسیر جاده مربیان - سبز، مورد تعرض قرار دادند و خسارات و تلفاتی بسز دشمن وارد کردند.

این عملیات صبح روز یازدهم اردیبهشت ماه انجام شد. رفقای ما سحرگاه این روز در نقاط مسلط به این مقر مستقر شدند و عملیات ساعت ۸ و نیم صبح آغاز شد. رفقای ما هنگامی که نیرو های دشمن مشغول اجرای مراسم صبحگاهی بودند، آنها را زیر آتش سلاحهای خود گرفتند که در اثر آن تعدادی از نیروهای رژیم از پای درآمدند و خساراتی بر آنها وارد آمد.

سنندج

رفقای پیشمرگ از صبح ۱۱

سنندج در عملیاتی بمناسبت اول ماه مه پایگاه و مقر نیروهای جمهوری اسلامی در روستای "قلعه شیخان" را مورد تعرض قرار دادند. این عملیات در شبانگاه نهم اردیبهشت انجام شد. در این شب چند واحد از رفقای پیشمرگ از گردانهای "شوان" و "آرز" پس از عبور از میان چندین پایگاه و مقر دشمن وارد روستای "قلعه شیخان" شدند و در ساعت ۹ و ۴۰ دقیقه مقر نیروهای رژیم در داخل روستا و پایگاه مسلط بر روستا را همزمان به زیر آتش سلاحهای خود گرفتند و تلفات خساراتی بر دشمن وارد نمودند.

بانه

رفقای گردان بانه روز یازدهم اردیبهشت ماه در ۱۵۰ متری پایگاه "گاگر" واقع در غرب جاده بانه - سردشت برای نیروهای دشمن کمین گذاشتند. ساعت ۱۱ و نیم صبح گروهی از مزدوران به کمین

پیشمرگان افتادند و زیر آتش سلاحهای رفقای ما قرار گرفتند. همزمان با این عملیات واحدهای دیگری از رفقای پیشمرگ پایگاه "گاگر" را مورد تعرض قرار داده و بدین وسیله امکان ارسال هر گونه کمک از سوی پایگاه به واحدی که به کمین افتاده بود را سز کردند. در جریان این عملیات تعدادی از مزدوران رژیم کشته و زخمی شدند و آتن به اسارت رفقای ما درآمدند. همچنین فنا شدی بدست پیشمرگان افتاد.

پیرانشهر

رفقای پیشمرگ از گردان پیرانشهر، بمناسبت اول ماه مه در یک زنجیره عملیات در ۱۴ کیلومتری شهر پیرانشهر تلفات زیادی بر مزدوران رژیم وارد آوردند.

روز یازدهم اردیبهشت چند واحد از رفقای پیشمرگ از گردان پیرانشهر در جاده پیرانشهر -

جمع‌بندی مختصری از عملیات نظامی پeshمهرگان کومه‌له در اردیبهشت ماه ۶۳

عملیات تعرضی و کمین گذاری پeshمهرگان کومه‌له علیه نیروهای جمهوری اسلامی بود:

پeshمهرگان گردان کاک فواد گردان "نکروز"، گردان شوان و گردان "تیز" بار در روزهای ۴، ۱۱، ۱۷، ۱۹، ۲۴، ۲۵ و ۳۰ اردیبهشت ماه در قسمتهای مختلف جاده سنندج - مریوان طی عملیاتهای متهورانه‌ای ضمن کنترل چندین کیلومتر از این جاده نیروهای جمهوری اسلامی را بدام انداخته و تارومار کردند.

پeshمهرگان گردان "شاهسو" گردان "نکروز" و گردان کاک فواد ۴ بار در روزهای ۱۱، ۲۰ و ۲۱ اردیبهشت در جاده سنندج - مریوان عملیات انجام دادند. پeshمهرگان گردان "چیا" و گر - دان ۲۶ سقز ۳ بار در روزهای ۶، ۲۱ و ۲۲ اردیبهشت در جاده سنندج - سقز نیروهای رژیم را مورد تعرض قرار دادند.

پeshمهرگان گردان ۲۴ مهاباد گردان بانه و گردان پیرانشهر نیز چندین بار در جاده‌های بو - کان - مهاباد، بانه - سردشت، سردشت - پیرانشهر و مهاباد - سردشت برای نیروهای رژیم کمین گذاشتند و آنان را مورد تعرض قرار دادند.

رفقای پeshمهرگ در شمال کزو - ستان نیز روز ۲۲ اردیبهشت ۳ کیلومتر از جاده بین الطلی ارومیه - سلماس را در نزدیکی پادگان "قوشچی" به کنترل کامل خود درآوردند و طی یک زنجیره عملیات تلفات زیادی بر مزدوران رژیم وارد نمودند.

بقیه در صفحه ۲۰

جمله طی ۲۹ طرح عملیاتی به پیش از ۳۷ پایگاه و مقر نظامی دشمن در شهرها و مناطق اشغالی کردستان ضربات و خسارات سنگینی وارد نمودند که در اینجابه برخی از آنها مختصرا اشاره میکنیم: در این ماه پeshمهرگان رزمنده گردان چیا و گردان ۲۶ سقز ۴ بار در تاریخهای ۲۱، ۲۲، ۲۳ و ۲۴ اردی - بهشت ماه وارد شهر سقز شدند. به مراکز نظامی رژیم ضربه زدند. پeshمهرگان گردان ۲۴ مهاباد در شبانگاه ۱۸ اردیبهشت بخش - های وسیعی از نقاط اصلی شهر مهاباد را به کنترل خود در - آوردند و همچنین بیکی از پایگاه - های رژیم تعرض کردند.

پeshمهرگان گردان کاوه نیز در همین شب وارد شهردیواندره شدند و همزمان ۲ پایگاه و مقر نیروهای جمهوری اسلامی را هدف سلاحهای سبک و نیمه سنگین خود قرار دادند.

پeshمهرگان گردان شوان، از تمپ ۱۱ سنندج، در ساعت‌های ۸ و نیم و ۱۵ و نیم صبح روز بیست اردیبهشت طی ۲ عملیات جداگانه در غیابانهای اصلی شهر سنندج و پیش چشمان حیرت زده مزدوران سرکوبگر، تعدادی از جاشها و جاسوسان رژیم، از جمله ۲ تن از فرماندهان گروههای ضربت جاشها را به هلاکت رساندند.

جاده‌های اصلی بین شهری و جاده‌های نظامی ما بین پایگاههای رژیم نیز طی این ماه شاهد انواع

در این ماه پeshمهرگان انقلابی سا زمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومه‌له) تعرضات قهرمانانه‌ای علیه نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی انجام دادند. آنان در جاده‌های موا - ملاتی و ارتباطی نیروهای رژیم، در جاده‌های بین شهری، در داغ - ل شهرهای اشغالی و نزدیک پادگان - های بزرگ ضربات متعددی بر - پایگاهها، مقرها، مراکز تجمع مزدوران، واحدهای متحرک و ستون های نظامی دشمن وارد آوردند. در این ماه پeshمهرگان کومه‌له ۶۱ عملیات تعرضی علیه نیروهای جمهوری اسلامی انجام دادند، از

سردشت، ما بین پایگاههای "چیان" و "بادیناوه" واقع در ۳۰ کیلومتری شهر پیرانشهر به کمین نیروهای جمهوری اسلامی نشستند، ساعت ۱۲ و ۵ دقیقه یک اتوموبیل حامل ۵ تن از مزدوران به کمین پeshمهرگان افتاد، در اثر حمله پeshمهرگان تمام سرنشینان آن به هلاکت رسیدند و خودرو به آتش کشیده شد. همزمان با شروع این عملیات ۳ واحد دیگر از پeshمهرگان بطور هماهنگ تامينهای جاده "بادیناوه" و پایگاه "باد - بناوه" را مورد تعرض قرار دادند که حداقل ۴ تن از افراد دشمن کشته و تعدادی نیز زخمی شدند. علاوه بر این تلفاتی نیز به نیروهای رژیم مستقر در پایگاه وارد آمد و غنائمی نیز بدست رفقای پeshمهرگ افتاد. ●

اطلاعیه کمیته مرکزی کومه له به مناسبت

سیاست سربازگیری جمهوری اسلامی در کردستان

خلق رزمنده کرد!
کارگران! زحمتکشان!

مدت پنج سال است که رژیم جمهوری اسلامی با تمام توان خود برای سرکوب جنبش در کردستان تلاش کرده و به دهها و صدها جناحت خدای انقلابی و فدائیان دست زده است. تا بلکه بتواند احکامیت منحوس خود را بر کردستان تحمیل نماید.

مخاصره اقتصادی کردستان، قتل عام مردمی دفاع، زندانی کردن و شکنجه و آزار جانوران و اعدام دستجمعی مبارزان، کشاندن جنگ ویرانگر ایران و عراق به کردستان، مسلح کردن اجباری و در این اواخر سربازگیری و دستگیری های دستجمعی در بیشتر شهرها و روستاها، حلقه دهگری است از مجموعه توطئه های رژیم که جان دهها هزار نفر از شما را به طوری جدی به مخاطره افکنده است.

کارگران! زحمتکشان! جوانان مبارز کردستان!

پنج سال مقاومت خونین خلق کرد، پنج سال ایستادگی در برابر رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی، این حقیقت را با رد دیگر برجسته نشان داده است که برای رهایی از سلطه این رژیم هیچ راهی جز مبارزه، متحدانه باقی نمانده است؛ و تنها به این ترتیب است که خلق کردخواهد توانست از این همه جنایت و کشتار و خانه خرابی رهایی یابد.

اگر جمهوری اسلامی نتوانسته است اراده مردم کردستان را درهم شکنند تا کنون نتوانسته جوانان کرد را روانه قتلگاه های جنگ ویرانگر ایران و عراق کرده و آنان را گوشت دم توپ نماید، تنها به دلیل تداوم جنبش انقلابی در کردستان بوده است. این با رهنشها از طریق گسترش و توسعه جنگ انقلابی و مبارزه متحدانه، توده ای میتوانیم و با بدین توطئه دشمن را غنشی کنیم.

پدران! مادران!
خلق رزمنده کرد!

با مبارزه و تلاش متحدانه خود سیاست سربازگیری رژیم در کردستان را غنشی نشاید، نگذارید فرزندان را به سربازی ببرند و آنان را در راه اهداف رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی قربانی نشاند.

جنبش انقلابی کردستان، جنبش خودشماست؛ حال که فرزندان شما در خطر سربازگیری هستند ما اعلام میکنیم که آغوش کومه له برای استقبال و مواظبت از فرزندان شما باز است. مطمئن باشید که آنها را حفظ خواهیم کرد.

جوانان انقلابی کردستان!

به سربازی نروید و به صف پیشمرگان کومه له بپیوندید و سلاح آزادی و شرف بردارید. از با دگانها و امرائیکر آموزشی رژیم فرار کنید و به هر صورتی که براهتان امکان دارد با تمام توان مقاومت و مبارزه کنید!

مردم مبارز کرد!

وظیفه همه شماست که با تمام توان و نیروی خود و به هر ترتیبی که میتواند کمانی را که به

سربازی نمیروند و یهود را پنهان میکنند. کمک نمائید. هر خانه و هر کوچه و هر مزرعه را در شهر و روستا بناگاه آتان سازید.

از کلیه مردم شهرها و روستاها میخواهیم علیه سیاست سربازگیری مبارزه و اعتراض کنند و در هنگام دستگیری های دستجمعی متحدهانه مقاومت دستجمعی برای اندازند و همچنین از مقاومت مردم در روستاها و شهرهای دیگر پشتیبانی کنند!

همه واحدهای نیروی پیشمرگ و بخش های مختلف تشکیلات کومه له موظفند کماتنی را که به سربازی نمیروند کمک نماید و در مقرهای کومه له از آنان نگهداری نموده با احترام و با تمام توان آنها را راهنمایی کنند و از آنان حفاظت نمایند.

بی گمان این مبارزها و همپایان آنها متحدهانه توده های مردم کردستان می توانند تنها سیاست سربازگیری رژیم را خنثی نمایند بلکه این توطئه های فداانقلابی را به ضد خود برگردانیم.

پیروز باد جنبش انقلابی خلق کرد
مرکز رژیم جمهوری اسلامی

کمیته مرکزی سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومه له) ۶۳/۲/۷

بقیه از صفحه ۱۸

نفر از زنان و مردان انقلابی و زحمتکش پس از به پایان رساندن این دوره ها به صفوف نیروهای مسلح حزب کمونیست ایران در کردستان پیوستند.

در این ماه، در کمال تاسف، حزب کمونیست ایران در محنه های نبرد نظامی علیه جمهوری سرکوبگر و اشغالگر اسلامی ۱۸ تن از رفقای خود را از دست داد. این رفقا جان خود را در راه برقراری دیکراسی انقلابی و سوسیالیسم و حکومت کارگران و زحمتکشان فدا کردند. ما شهادت این رفقا را به کلیه رفقای حزب کمونیست ایران، به خلق کرد و به کارگران و زحمتکشان انقلابی ایران و به خانواده های آنان صمیمانه تسلیت میگوئیم.

یادشان گرامی و راهشان پیروز باد!



نیست ایران بنا بر سیاست انقلابی خود در برخورد به اسرای جنگی، بویژه سربازان ورده های پائین نیروهای مسلح جمهوری اسلامی جمعاً ۲۹ تن از اسرای خود را پس از گذراندن دوره آموزشی و آشنایی با حقایق جنبش عادلانه خلق کرد و اهداف و سیاستهای انقلابی حزب کمونیست ایران، آزاد نمود. ۵ تن از این اسرا که در هنگام آزادی خواهان پیوستن به صفوف پیشمرگان کومه له بودند به مراکز آموزش نظامی - سیاسی کومه له پذیرفته شدند.

یک گردان جدید متشکل از زنان و مردان انقلابی و زحمتکش به صفوف پیشمرگان کومه له پیوستند

در اردیبهشت ماه سی و پنجین دوره آموزشی مرکز آموزش سیا - سی - نظامی پیشمرگان جدید کومه له در منطقه جنوب کردستان و نهمین دوره در منطقه سر - نور به پایان رسید و دهها

در این ماه پیشمرگان سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومه له) تلفاتی بالغ بر ۱۰۰۰ کشته و زخمی بر جمهوری اسلامی وارد آوردند و ۱۸ تن از آنان را به اسارت خود درآوردند. بعلاوه ۳۰ قبیله اسلحه سبک و ۱ دستگاه مین باب، همراه با مقادیر زیادی خشاب، فشنگ، نارنجک و اسناد و مدارک به غنیمت پیشمرگان درآمد. همچنین یک انبار دولتی در شمال کردستان توسط رفقای پیشمرگ مناره شد.

ضمناً در این ماه ۹ تن از سربازان با سلاح و مهمات از صفوف نیروهای جمهوری اسلامی فرار کردند و ضمن معرفی خود به پیشمرگان کومه له، داوطلب پیوستن به صفوف پیشمرگان کومه له شدند.

آزادی اسپران جنگی از زندان کومه له

سازمان کردستان حزب کمونیست

موضع اپورتونیستی اقلیت

پیشین وبه شیوه کدخدان متفانه کمیسونهای قبلی، بلکه یاد از نظر گرفتن اهمیت و نقش جنبش انقلابی خلق کرد و تا تئورات مستقیم و غیر مستقیم آن بر سر انقلاب سراسری ایران، موارد اختلاف ما بین حزب دمکرات و کومه له را ریشه یابی نموده، محورهای مورد توافق را مشخص نماید و خود را ظریحاً برای اصول مورد توافق دو طرف باید شد.

(ریگای گه ل، شماره ۱۵، صفحه ۷) اقلیت تا نس بسیار داشت که کمیسون گذایش، با تمام تعریف و تمجیدهای که از ما سن به نظر آن مینمود، مقبولیت عام نیافت و آلامیاست زیر نگاهها و بر خورد های سرزنش آمیز - که چرا اقلیت به وجود چنین دا روی شفا بخشی آگا بوده ولی طی چند سال آنرا رونگرده و در دا روغانه خود احتکارش نموده - آب میشد! ولی مشکل اقلیت این نیست که چرا تا کنون را از کمیسون پیشین های خود را بر کسی فاش ننموده، بلکه مشکل اینست که چه راه علی "بیا بدتا عدم موضع گیری صریح خود نسبت به طرفین در گیریها (کومه له و حزب دمکرات) طی سالهای گذشته را توجیه کرده و برده پوشی نماید و در آینده نیز همین شیوه را با قیافه حق بجانب مفوکمیسون - "تسا ببینیم نتیجه تحقیقات کمیسون چه می گوید!" - به پیش ببرد. نکته اخیر - یعنی عدم صراحت

اقلیت در جانب داری از هر کدام از نیروهای درگیر شده و نشان ندادن مقرر و ما مل ایجا در درگیریهای مسلحانه و توجیه آن از طریق علم کردن مساله ایجا دکمیسون - طی مقاله ای بقلم رفیق جعفر شفیمی در کمونیست شماره ۵ بخوبی افشا شده است. اما جوابیه اقلیت در "ریگای گه ل" شماره ۱۵ به مقاله مذکور، مدارکی بدست میدهد که نشانگر صراحت اقلیت در موضع گیری علیه کومه له و جانب داری او از حزب دمکرات است.

مقاله "ریگای گه ل" تحت عنوان "کومه له در ورطه دیپلماسی بورژوازی"، بهمان اندازه که به مساله علی پرداخته بسیاری چیزها را روشن نموده است. و ما طی نوشته خود در نقد مقاله مذکور نشان خواهیم داد که اقلیت:

- ۱ - از اقرار به مهاجم بودن حزب دمکرات و محکوم کردن او سر باز میزند.
- ۲ - حقانیت عکس العمل کومه له در برابر تعرضات حزب دمکرات را زیر سوال برده و آنرا تخطئه میکند.
- ۳ - تمام تلاشهای کومه له برای جلوگیری از درگیری را با در برده ابهام می پیچد و با انکار میکند.
- ۴ - سیاستهای حزب دمکرات را که مبنای درگیریهاست پورده پوشی کرده و آنرا توجیه مینماید.
- ۵ - را دیکا لیم او، را دیکا لیمسی صوری و ظاهری است.
- ۶ - تحلیلها و اظهاراتش کا ملا اپورتونیستی است.
- ۷ - خواهان سازش بین پرولتاریا و بورژوازی است.

در ابتدا توجه شما را به نقل گفته های از "ریگای گه ل" جلب می کنیم:

"جالبترین مساله ای که از جانب آقای شفیمی به شیوه ای بس ناشیانه مورد پرده پوشی فرا گرفته است، همانا سر فرود آوردن کومه له در مقابل این جنگ کورو تن دادن به راه حل های خود بخودی و "نا مناسب" این مساله است... ایشان با اصرار خاصی ازمانیز برای کشیده شدن به این حرکت کورو دعوت بعمل میآوردند. آقای شفیمی که گویا اولتیماتومی را در افتخار آ میزما زمانش را در ادامه و تشدید این درگیریها به فراموشی سپرده است..." (ر. گ. شماره ۱۵، ص ۱۱، تا کیدها از ما است)

"ریگای گه ل" سپس نقل قول - های از گفته های رفیق جعفر شفیمی و رفیق ابراهیم گلزاده در نشریه کمونیست - مبنی بر اینکه کومه له آغا زگرد گیری نبوده اما هرگونه تعرض مسلحانه حزب دمکرات را جواب خواهد گفت - میآورد و چنین نتیجه گیری می کند:

"این موضع گیریهای صریح و آشکار کومه له را (حیف که کومه له موضع گیری غیر صریح و مبهم را در مکتب اقلیت فرا نگرفته است!) به چه چیزی میتوان تشبیه کرد، جز تن دادن به راه حل های "نا مناسب" و "کور مساله" جز سر فرود آوردن در مقابل حوادث و حرکات خود بخودی. این اولتیماتوم جنگی را به چه

چیزی میتوان تمبیر کرد چیزی
توجهی به نقش ارزنده و پسر
اهمیت جنبش انقلابی خلق کرد
و عدم درک این لحظه از حیثات
جنبش انقلابی خلقهای سراسر
ایران" (همانجا، تاکیدهها
از ما است).

پس حمله مسلحانه حزب دمکرات
به پیشمرگان کومله، "حوادث و
حرکات خود بخودی" نام دارد و
دفاع از خود کومله در برابر
اینگونه تعرضات "تن دادن به
راه‌حلیهای نامناسب و کورساله"
است! گویند این حزب دمکرات
نبوده که همواره به پیشمرگان
کومله تهاجم کرده است بلکه این
خطای کومله است که با پسر
درگیرها "تن داده" است! تعرض
حزب دمکرات هیچ اهمیتی ندارد
و چنانچه بفرس معال، اقلیت به
مهاجم بودن حزب دمکرات اقرار
کند، اینکار را "کشیده شدن به
حرکت کور" است!

تجمع قوای از پیش طرحریزی
شده و حمله فاشلیگرانه قریب ۲۰۰
تن از پیشمرگان حزب دمکرات به
مده کمی از پیشمرگان کومله در
سویستی سردشت و شبشات رساندن
چندین نفر از آنان، با از پشت
برگیا ریستن چندتن از رفقای
پیشمرگ ما هنگام بازگشت از
مذاکره در قروه داغ ما با دازسوی

■ - برای مثال با این گفته
اپورتونیستی در پایان "بها نیه
سچفا پیرامون درگیرهای حزب
دمکرات و کومله... "توجه
کنید: "ما تاکید میکنیم هرآینه
درگیرهای غونین دیگری تکرار
شود، آن جریانی که خود را بیشتر
مدافع انقلاب تصور کند،

حزب دمکرات، توجه اقلیت را بر
نمیا نگیزد و با مانی از کنار آن
رد میشود؛ اما اولتیماتوم
کومله به حزب دمکرات در اعتراض
با این جنایات و برای جلوگیری
از ادامه اینگونه تعرضات، هم
با عت "ادامه و تشدید پسر
درگیرها" میشود و هم به جنبش
انقلابی خلق کرد و حیثات جنبش
انقلابی خلقهای سراسر ایران"
لطفه وارد می‌ورد!

"کومله میتواند به این جنگ
کورادامه بدهد، میتواند هرگونه
تلاش ما را برای مهار کردن این
درگیرهای غونیا ربه مضحکه
بگیرد (کومله این تلاش شما را
به مضحکه نمیکرد، تلاش شما برای
پوشاندن جانبداریتان از حزب
دمکرات است که سبب غنده میشود)
کومله میتواند تن دادن با این
حرکات خود بخودی و نا بخردانه
را نیز دمکراسی انقلابی بداند،
اما هرگز نمیتواند از ما انتظار
داشته باشد (احتیاجی با پسر
الطمینان دادن ما هم نبود) که
در انفا ذ این راه‌حلی "نامناسب"
که خود صریحاً به آن اذمان دارد (!)
موضع او را تاکید ما قسیم...
از تشورسینهای کبیر کومله
با پدیرسید در کدا میک از ادببات
ما رگمستی دنیا له زوی از حوادث

مسئولیت بیشتری درقبال جنبش
بدوش خواهد داشت". (ر. گ.،
شماره ۰۱۳، ص ۲۰، تاکید از ما است).
نویسنده بها نیه با بد زحمت
زیادی برای جور کردن جمله
اپورتونیستی فوق کشیده با شد،
تا بتواند در همین شانه غالی کردن
از هرگونه موضع گیری در حال

خود بخودی و تن دادن به راه
حلیهای نامناسب، انقلابگری
پرولتری و پاپیستی به دمکراسی
انقلابی شناخته شده است.

این دفاع از کدام دمکراسی
انقلابی است که بجای تلاش
مسئولانه برای یافتن راه‌حلیهای
اصولی سیاسی با مساجت تمام
راه‌حلیهای کوروننا مناسب را
پیشنهاد می‌کند" (همانجا،
تاکیدهها و پرازنرها از ما است)

براستی اگر مسیح زنده بود،
نویسنده "ریگای گل" را بدون
تردید نمیتوان یکی از حواریون
خودانتخاب مینمود! زیرا مفهوم
واقعی "راه‌حلیهای اصولی
سیاسی" برای اقلیت تحت
شرایطی که ما از آن سخن میگوئیم
(شرایطی که همواره تعرض از
جانب حزب دمکرات بوده و کومله
تنها پس از آن جواب تعرضات او را
داده است) چیزی بجز آقیمی
مسببیت نیست. آقیمی که
میگوید اگر کسی به حمله کرد،
نه تنها با تعطیم کن (راه‌حل
اصولی!) بلکه تفنگت را هم به
او ببخش (راه‌حل سیاسی!) که
صرفه دنیا و آخرت ("منافع جنبش
خلق کرد و جنبش سراسری") در همین
است! اگر حزب دمکرات به
پیشمرگان کومله حمله کرد،

(هنگام انتشار بها نیه)، راه را
برای هرگونه تعبیر و تفسیر
دلخواهی درآینده بازگذارند.
نویسنده هر هفتی که داشته بجای
خود، اما من تصور نمی‌کنم در
"تاریخ اپورتونیسم جهانی"
جمله‌ای غنده آورتر از این جمله
اقلیت، گفته شده باشد!

بیشمرگان کومه‌له‌نا بدحساب اورا بدهند (نیا بیده درگیری "تن بدهند") و حتی نیا بدکومه‌له اعلام کنده‌جواب چنین تعرفاتی را با اسلحه خواهد داد ، زیرا اینکا رخلاف "دمکراسی انقلابی" است (لابدبدین خاطرکه حزب دمکرات را میرنجانند !) ، این "ساجت" است ، کمیسیون مورد نظر اقلیت بعداً روی این مسئله "تحقیق" خواهد کرد و روی آن "موضع" خواهد گرفت !

اقلیت تمام تلاشهای سیاسی کومه‌له برای جلوگیری از ایجاد درگیری بین حزب دمکرات و کومه‌له طی این چندسال را کاملاً به‌بوته فراموشی میسپارد ، در مورد آن مهرسکوت برلب میزند و حتی وجود چنین تلاشهایی را انکار مینماید تا از این طریق بتواند کومه‌له را مقرر قلمداد نماید . اقلیت تمام گفتار و کردار کومه‌له طی چندسال اخیر - بر این مینماید که کومه‌له آقا زکریا درگیری مسلحانه با حزب دمکرات نخواهد بود - را مطلقاً بکناری مینهد تا کومه‌له را با نی (یا حداقل یکی از بانیان) درگیریها جلو دهد و موضع "بیطرفانه" خود را که دیگر آبرویی برایش باقی نمانده لباسی تازه بپوشاند .

او مقابله مسلحانه سازمان کردستان حزب کمونیست ایران با تعرفات نظامی حزب دمکرات را تخطئه می کند و نا حق جلو میدهد تا هر اندازه که بتواند در استواری صفوف محکم کومه‌له و توده‌های انقلابی در برابر این تهاجمات بذر تردید بیفتاند . حزب دمکرات از این بیشتر چه میخواهد ؟ آیا

بدینترتیب اقلیت در کنار حزب دمکرات قرار نگرفته است ؟ آیا چندسال تجربه ، چندسال وقایع و عقایق همچون روز روشن برای اقلیت کافی نیست که اکنون به صرافت ایجاد "کمیسیون تحقیق" افتاده است ؟ آیا اقلیت حمله نیروهای حزب دمکرات به پیشمرگان کومه‌له در بهشتوش سردشت در سال ۵۹ و غلغ و سلاح و اسیر کردن تعدادی از آنان (که حزب دمکرات تنها پس از آرایش نظامی کومه‌له علیه این اقدام حزب ، حاضر به آزار دکردن اسرا و پس دادن اسلحه‌های آنان شد) و بسیاری موارد از این قبیل را فراموش کرده است ؟ آیا همه اینها نیا بد فکر حقیقت جویی اقلیت را بتکا پودر آورده باشد تا اندکی از ادعاهای مارکسمستی با غیر ، دمکراتیک - انقلابی خود را به عمل در آورده و عامل درگیریها را به "غلقهای سراسر ایران" معرفی نماید ؟ بنظر میرسد که اقلیت هیچکدام از این واقعیات را ندیده است ! او کاری به واقعیات نداشته و کمیسیون معجزه‌آمای خودش را تدارک دیده است . راهنمای عمل اقلیت برای کار در چنین کمییونی هم " اصول سیاسی" زیرا است : " ما تا کیدمی کنیم هر آینه درگیری خونین دیگری تکرار شود ، آن جریانی (؟) که خود را بیشتر مدافع انقلاب تصور کند (؟) ، مسئولیت بیشتری درقبال جنبش بدوش خواهد داشت " ! (جمله آخر بیانییه سچفا) بدینترتیب دیدیم که تا اینجا

سچفا نه تنها حمله کننده را معرفی و محکوم نمیکند ، بلکه کومه‌له را عطا کار قلمداد مینماید . اما کار اقلیت به همین جا ختم نمیشود ! او طیل حملات حزب دمکرات را نیز موجه جلوه میدهد . و این نکته را در آخرین نقل قولها می گوید که از "ریگای گهل" آوردهیم بخوبی میتوان دید ، اومی گوید - جوابگویی به تعرض حزب دمکرات ، دفاع از دمکراسی انقلابی نیست ، پس بگذارد مثال نسبتاً تازه ای برای اقلیت بها وریم :

" رهبران کومه‌له نمی خواهند این واقعیات را بپذیرند که تبلیغات خصمانه علیه حزب دمکرات ، احسانات توده‌های مردم را که به حزب علاقه دارند جریحه دار میکنند و اعمال زور نسبت به زحمتکشان و گرفتارین اجباری پول از مردم ، سبب ایجاد آشوب و بر خورد مسلحانه خواهد شد "

(گزارش کمیته مرکزی به تنگره ششم ح . د . ک . ۱۰ ص ۵۹ ، تاکیدهها از ما است) این نمونه است از تبلیغات "دوستانه" حزب دمکرات در برابر "تبلیغات خصمانه" کومه‌له ! مبارات مزبور نشان میدهد که حزب دمکرات - که خواهان تضعیف دموکراسی و تضعیف نیروی مستقل طبقه کارگر در کردستان بوده و دستهایی با این هدف را از طریق ضربه زدن به کومه‌له جستجو می کند - مستمک درگیری راهم (حتی اگر نسبت دادن اعمالی که خود انجام میدهد به کومه‌له باشد) برای "روزمبادا" ذخیره کرده

است. بنا براین اگر سلفها بر ادعای خود مبنی بر دفاع از دموکراسی استوار بود میفهمید که معنای مبارات فوق اینست که ابتدائی ترین اصل دموکراسی - یعنی آزادی تبلیغ که آزادی تبلیغ نیروها و سازمانهای مختلف سیاسی علیه یکدیگر جزئی از آنست - بهیچوجه غوثا بنده حزب دمکرات نبوده و هر جا که بتوانند آنرا با برخورد مسلحانه جواب نمیکوید.

آیا همین یک نمونه برای کسی که حقیقتاً مدافع دموکراسی و انقلاب باشد کافی نیست که بفهمد حمله حزب دمکرات به کومه له، از موضع ضدیت با دموکراسی و ضدیت با رشد سیاسی توده ها بوده و بنا براین ابتدائی کومه له در برابر این تعرضات از موضع دفاع از دموکراسی و ارتقاء سیاسی توده های زحمتکش است؟ حزب دمکرات صراحتاً اعلام میکند که - هر جا منافع حزب ایجاد کند (احاسات علاقمندان به حزب دمکرات چریحه دارشود!)، هر گاه کومه له سیاستهای فدموکراتیک و زیرپا نهادن حقوق و منافع سیاسی و اقتصادی توده های زحمتکش از سوی حزب دمکرات را

۳ - در شهریورماه ۶۱، هنگامیکه پشتیبانی مادی و معنوی توده های زحمتکش از کومه له در منطقه تا روی بران مهاباد توسعه پیدا کرد، حزب دمکرات نتوانست این امر را تحمل کند و "راه چاره" برای برگرداندن اوضاع بحالت قبلی را در حمله مسلحانه به

افشاکند (آیا تبلیغات کومه له در برابر حزب دمکرات چیزی غیر از اینها بوده است؟)، هر گاه کومه له از دمکراسی شورایی و حاکمیت انقلابی - دمکراتیک توده های کارگر و زحمتکش دفاع نماید... - خود را مجاز میداند که نه به مبارزه سیاسی بلکه به "راه عمل" نظامی متوسل شود. اما اقلیت اینها را نمی خواهد ببینند؛ جنبه انقلابی عکس العمل پرولتاریا آنگاه و مسلح در برابر اعمال زور سازمان یافته - بورژوازی در کردستان را انکار میکنند و توده های زحمتکش و انقلابی کردستان و پیشاهنگ آنها را به در پیشت گرفتن انفعال و حالت رضا مندی در برابر این زورگویی ها فرا میخواند؛ موضعی انفعالی که نتیجه ای جز ترغیب حزب دمکرات به ادا سیاست خویش ندارد. و بدین ترتیب اقلیت به سیاست حزب دمکرات خدمت میکند.

سلفها که عکس العمل کومه له را پاپبندی به دموکراسی انقلابی (و بنا براین حمله به کومه له را حمله به دموکراسی انقلابی) نمی دانند تا آنجا پیش میرود که منظور خود را به صریح ترین وجه بر زبان میراند:

کومه له دید. حزب دمکرات - که طبق سیاست همیشگی خود در گرفتن هر نوع باجی از مردم کوتاه می نکرده و بارها زحمتکشان هوادار کومه له را با طریاری مادی دا و طلبانه به کومه له، مورد مهر گونه آزار و مآذره اموال قرار داده بود - در تبلیغات خود، برای پرده پوشی ملل واقعی حمله

"کومه له به اعتبار دمکرات بودن خود نمی تواند سیاست دنباله روی کنونی از حوادث (منظوراً اقلیت از دنیا له روی از حوادث را قیلاً بدیدیم) را همچنان ادا مدهد، مگر آنکه از مواضع دمکراتیک خویش دست شسته باشد." (ر. گ. ۰۰ شماره ۱۵، ص ۱۱، پراکتیز و تاکیدها از ما است)

اقلیت صراحتاً اعلام می کند که دفاع از خود و جوابگویی به تعرض - در برابر اقدامات نظامی حزب دمکرات علیه کومه له - کاری ضد دمکراتیک است. بنا بر این آیا حق نداریم بگوئیم که سلفها حمله حزب دمکرات به کومه له را دفاع از دموکراسی میدانند؟! این امری بدیهی است که درگیری مسلحانه بین کومه له و حزب دمکرات بفتح جمهوری اسلامی و به ضرر خلق کرد است (و اینرا کومه له قبل از و پیش از هر نیروی دیگری مطرح ساخته و در باره آن روشنگری نموده است)؛ اما زمانیکه درگیری آغاز شد تکرار مایه - راه فوقه دیگر کافی نیست؛ در این حال مهم اینست که اولاً معلوم گردد چه نیروی مسبب و آغازگر درگیری مسلحانه بوده است

به کومه له، مضامین همان عبارات فوق الذکر را بکار گرفته بود. جنگ با برگیار بستن رفقای ما هنگام برگشتن از مذاکره با مسئولین حزب دمکرات در روستای قره داغ آغاز شد و ضربه متقابل از سوی پیشمرگان ما سبب شد که حزب دمکرات حاضر به متارکمه درگیری شود.

و بنا براین علیه مسبب این امر موضع گیری شود، به تودها معرفی گردد و اقدامات لازم علیه ما مل چنین مجامعی برای جلوگیری از ادامه زنگار آن صورت گیرد. اقلیت: برادست بستن از مواضع دمکراتیک مینا مد.

سیاست حزب ما در برابر حزب دمکرات یک سیاست روشن و استوار کمونیستی است: ما تا آنجا که حزب دمکرات علیه جمهوری اسلامی است از او پشتیبانی کرده و در مبارزه علیه جمهوری اسلامی ما ضربه هرگونه همکاری با او نیز هستیم. اما آنجا که حزب دمکرات علیه دموکراسی و علیه توده های کارگر و رستکش است علیه او مبارزه می کنیم و این مبارزه ما - همچنانکه با رها ملام داشته ایم - نه مبارزه ای مسلحانه بلکه مبارزه ای سیاسی است. اقلیت چنان خود را به بی اطلاعی میزند که گوئی از این سیاست روشن هیچ چیز شنیده است.

هر کسی که ولواندگی با تاریخ جنبش مقاومت خلق کرد آشنایی داشته و ولو ذره ای به دموکراسی انقلابی و کمونیسم وفادار باشد میدانند که در صورت عدم موجودیت و عدم حضور فعالیت مستقل پرولتاریای انقلابی در کردستان - که همانا در وجود کومه له نمود پیدا کرده است - مدت ها بود که سرنوشته این جنبش به سازش با جمهوری اسلامی در همان مراحل اول آن گشوده شده و آنچه در کردستان نشانی از آن یافت نمی شد همانا دموکراسی و دفاع از حقوق توده های کارگرو رستکش

بود. و برای هر کمونیست شرافتمندی این حقیقت با زری است که تقویت دموکراسی انقلابی در کردستان نمی تواند معنا سی جز تقویت کومه له داشته باشد.

اقلیت از کنار تمام حقایق فوق می گذرد، تا دفاع از گسترش نفوذ کومه له و مکن العمل در برابر تهاجمات حزب دمکرات را عملی اشتباه و تضعیف جنبش انقلابی خلق کرد قلمداد نماید (نتیجه و معنای "دست بستن کومه له از مواضع دموکراتیک"، چیزی جز این نیست) و بدین ترتیب حزب دمکرات را کما ملاتیر فکند. اما اقلیتی که واقعات سرسخت این چنین میج او را بازنموده است، هنوز هم اعلام "بیطرفی" مینماید:

"ما تا کنون نمیدانستیم که سازمان ما میبایست پشت شوه بر خورده های فیرا صولی و کما مل اشتباه آ میز کومه له و حزب دمکرات بر سر چگونگی اقلیت دمکرات و مثالیم (که باز تا کهد می کنیم، قطعاً ناشی از ادراک طبقاتی آنهاست)، در این با آن مورد با بستن و بزمم آنها از "دموکراسی انقلابی" دفاع نموده و از این موضع، این با آن نیروی سیاسی را، که در ادامه این روش بر خورده، قطعاً به درگیری مسلحانه کشیده میشوند، چون اول شلیک کرده است با نکرده است، محکوم با تیر ف نماید: " (ر. گ.، شماره ۱۵، ص ۱۵، تاکیدها از ما است)

اینجا موضوعات مختلفی با هم مخلوط شده اند (مقوممان از لحاظ انشائی نیست!)؛ اولاً

مواضع کومه له و حزب دمکرات هر دو یک اندازه اشتباه میز حساب آمده اند (و چنین موضعی روی مسئله مورد بحث ما، اپورتونیزم بتواند دواست)، تا بنا بر اعتبار از موضوع اصلی بشوه اغذ گمرکات و "مثالیم!" کشیده شده و در نتیجه این اصل که - صرف نظر از اصولی بودن یا نبودن روش این با آن نیرو در مورد اغذ گمرکات و مثالیم - با بد آفا زگر درگیری را معلوم و محکوم کرد، ما ست مالی شده است. بهر حال ما به اصل موضوع میپردازیم.

سجفا میخواد با قیافه ای حق به جانب - ولی با حالست کبکی که سرخورد را زیر برف فرو می کند تا خود را از دیده ها پنهان دارد! - موضع ظاهر - بیطرفانه ای بخود بگیرد، اما بنا بر جواب مساله مهمی را داده است (هر چند جوابش زیر لیبی است!)؛ او میگوید برای اقلیت مهم نیست که چه نیرویی آفا زگر و مسبب درگیری مسلحانه است!

و بنا بر این اولاً، اگر بیچار خوشبین باشیم و تمام تحلیل - هایی را که اقلیت برای مقصر نشان دادن کومه له ارائه داده مورد چشم پوشی قرار دهیم، او عامل درگیری را با نیرویی که درگیری به او تحمیل شده به "یکسان خطا کار میدانند" این چیزی جز دفاع از مهاجم نیست. بعلاوه او به خوبی میدانند که در تمام درگیریهای گذشته تعرض از جانب حزب دمکرات بوده است و دقیقاً بهمین دلیل است که از محکوم کردن مهاجم طفره میروند.

ثانیاً، جا دارد از اقلیت این سوال را بکنیم، حال که شما نمی توانید حمله کننده را محکوم نماید (و این نکته را قبلاً از ایجا دوپا ورود به هر کمیونسوی اعلام میدارید) پس اقلیت کمیسیون شما روی چه چیزی تحقیق خواهد کرد و چه چیزی را ملاک کار و قفاوت خود قرار خواهد داد؟ لاید طرفی را که به درگیری "تن داده است" و "از حوادث خود بخودی دنیا له روی نموده است"، محکوم خواهد نمود!

اقلیت مهاجم را محکوم نمی کند (خود، صراحتاً این را می گوید)، درگیری در نتیجه وجود اختلاف سیاسی و طبقاتی بین دو نیرو را نیز اجتناب ناپذیر میدانند، در این صورت کمیسیون مورد نظر آنچه اصول و معیارها را برای جلوگیری از درگیری با اید مبنای حرکت و قفاوت خود قرار دهد؟ آیا جز اینست که برای خلاص شدن اقلیت از این بن بست یکی از طرفین باید در کمترین زمان ممکن از برنا مه و سیاست طبقاتی خویش صرف نظر نماید؟ آیا اقلیت همین را از کومه له نمیخواهد؟ آیا ما حق نداریم بگوئیم آن روش برغورد "اصولی سیاسی" نسبت به حزب دمکرات که بر مبنای تحلیل اقلیت استوار باشد را شانس نامش با لبرالیسم و یا آنارشیسم است و منظور اقلیت در شرایط کنونی، چیزی جز در پیش گرفتن سیاست لبرالی نسبت به حزب دمکرات نمیباشد؟

علاوه بر نکاتی که فوقاً بدانها اشاره کردیم، اقلیت ما مدأ و آگاهانه تمام مسأله مورد بحث

را به اینکجه نیروی "اول فلیک کرده است یا نکرده است" تنزل میدهد. در حالیکه بحث تنها بر این نیست بلکه مهمتر از آن بحث بر سیاستی است که مینا و پایش بر ایجا درگیری استوار شده است. و بهمین دلیل بود که ما در مفاعات پیشین به دو سیاست که یکی جنگ افروزان (با استناد به گزارش کمیته مرکزی حزب دمکرات به کنگره) و دیگری خواهان اجتناب از درگیری نظامی (بسر مبنای قطعنامه های کومه له) است اشاره کردیم.

دیدیم که اقلیت در ابتدا بر این واقعیت که تا کنون حزب دمکرات آفا زگر درگیرها بوده است برده ماسترمی افکند، حال مشاهده می کنیم که آن سیاستی را نیز که حزب دمکرات عامل و مدافع آن بوده و پایش بر ایجا بر غورد مملحانه است، در برده ابهام می پوشاند.

پس گناه اقلیت تنها این نیست که - در تمام درگیرهای که تا کنون پیش آمده - مهاجم را صریحاً معرفی نکرده و او را محکوم ننموده است، بلکه بالاتر از آن مشخص نمودن و معرفی نکردن آن نیروی است که واقعاً چنین سیاستی را در پیش گرفته است.

در همین حال، اقلیت - علاوه بر اینکه حزب دمکرات و سیاست ضد دموکراتیک و جنگ طلبانه او را بعنوان عامل ایجاد درگیریها نمی شناسد - در تمام مقاله های که علیه سازمان کردستان حزب کمونیست ایران نوشته است یک سیاست را تعقیب می کند: هدف

او اینست که دفاع از خود کومه له را بعنوان سیاستی جنگ طلبانه در برابر حزب دمکرات قلمداد نماید. بدین ترتیب اقلیت در تمام مواردی که بر شمریم به حزب دمکرات خدمت می کند.

یکی از اهداف حداقل حزب کمونیست ایران برقراری آزادی بی قید و شرط سیاسی است. ما چه در رابطه با حکومت آینده ایران و چه در رابطه با حکومت خود مختار کردستان، برای آنچنان حکومتی مبارزه می کنیم که آزادی بی قید و شرط سیاسی را (برای همه نیروها به جز نیروهای که در حفظ و تحکیم و یا اعاده رژیمهای سلطنتی و جمعیوری اسلامی شرکت داشته و دارند) بر سمیت بشناسد. حزب دمکرات با چنین اصل برنامهای منا مخالف است. او می گوید "آزادی" تبلیغات آری، اما تبلیغات علیه حزب دمکرات نه! بدین ترتیب او نشان میدهد که از رشد سیاسی خودها و فعالیت سیاسی کومه له در میان آنان میترسند و خواهان محدود کردن دموکراسی است و در تعقیب همین سیاست است که هر از چندگاهی، با هدف تضعیف کومه له تمام میلحانه جدیدی را علیه کومه له تدوین می یابد. اقلیت در مورد چنین حقایقی مبرسکوت بر لب میزند و ثابت میکند که همه ادعاها پیش مبنی بر دفاع از دموکراسی انقلابی صرفاً یک ادعاست، یک رادیکالیسم ظاهری و تعسفی است که از تاکتیک انقلابی پرولتاری فرسنگها بدور است.

اما تا کتیک صحیح پرولتاری برجاه اصلی بنا میگردد؟ برای اصل که ما درهرسیاست و تا کتیک خود، تقویت دموکراسی و آگاه شدن و نیرومند شدن طبقه کارگر را درمبارزه طبقاتی علیه بورژوازی مدنظر قرار دهیم .

ما میگوئیم مخالف درگیری مسلحانه با حزب دمکرات هستیم ؛ زیرا درگیری بیفایده و غیرمثمر است و او را در سرکوب خلق کرد جری تر و موفق تر میسازد ؛ جنبش مسلحانه خلق کرد علیه این رژیم را تضعیف میکند و با ترسب دستاورد های دموکراتیک و انقلابی حاصل مبارزات توده ها را در معرض مخاطره حدی قرار میدهد .

ما میخواهیم سوده های کارگر و رحمتکش صن مبارزه مسلحانه علیه جمهوری اسلامی ، در محیط دموکراتیکی که در نتیجه این مبارزه حاصل میگردد ، پرورش یابند ؛ فرصت پیدا کنند که نیروهای مختلف مخالف جمهوری اسلامی را در جریان تحریکات سیاسی خویش محک بزنند و دوست و دشمن واقعی خود را در میان این نیروها از یکدیگر تفکیک نمایند ؛ زیرا راهیج نیروی ستکاری سر خم نکنند و در راه رهائی کامل ، بدون تشکیلاتی که بیباکتر منافع و مدافع واقعی آنهاست جمع شوند ، بر این اساس است که ما سیاست عدم درگیری مسلحانه با حزب دمکرات را در پیش گرفته و بدان نیز عمل می کنیم . اما این یک وجه قضیه است . وجه دیگر آن اینست که تعرض نظامی را با پیدای تعرض متقابل جواب داد . درغیبت اینصورت دست روی دست گذاشتن

در برابر تعرضات حزب دمکرات به همان " راه حل اصولی سیاسی " اقلیت منجر میشود . آن " راه حل اصولی سیاسی " که اقلیت خواستار آنست تا کومه له در برابر ترسها جماعت نظامی حزب دمکرات در پیش گیرد ، چیزی جز این معنی نمیدهد که هر بار کومه له از بخشی از مواضع نظری ، سیاسی و عملی خود در دفاع از دموکراسی و سوسیالیسم دست برداشته تا " مانع " حمله مجدد حزب دمکرات گردد . آیا اقلیت همین را میخواهد ؟ آیا او با این تحلیل متعصمانه " طبقاتی " که میگوید " واقعیت اینست که کومه له و حزب دمکرات لایه های متفاوت خرد بورژوازی را با منافع متفاوت نمایندگی میکنند " (همانجا ، ص ۹) ، نمیخواهد این نتیجه را بپذیرد که " حل اختلاف " بین " دولایه " خرد بورژوازی " احتیاجی به این همه " مناقشه و در دسر " ندارد ؟! با یاد گفت واقعیت نه آنست که اقلیت می گوید ، واقعیت اینست که اقلیت علیه استقلال طبقاتی پرولتاریا بوده و خواهان تضعیف نیروی آنست ؛ زیرا مسئله را از زاویه " منافع طبقاتی " حزب دمکرات میگردود و در این رابطه نقشی را عهده میگیرد که ایفای آن از خود حزب دمکرات ساخته نیست . حزب دمکرات همواره کوشش کرده است که استدلالات و توجیهاتی شبیه به " اصول سیاسی " اقلیت را پس از پایان هر درگیری به توده ها ارائه دهد . اما بدلیل اینکه او خود یکی از طرفین درگیری است و همچنین توده ها سیاستها و اعمال او را در تحریکات روزمره خویش می بینند و لمس می

کنند - بهیچوجه نمیتوانند توده ها را به حقانیت سیاست جنگ طلبانه خود علیه کومه له متقاعد سازند . ولی اقلیت نه همچون یکی از طرفین درگیری بلکه در لباس یک " نیروی سوم " و " بیطرف " ظاهر میشود و از این طریق سیاستهای حزب دمکرات را توجیه میکند و بنا بر این در حد توان خود به حزب دمکرات خدمتی میکند که انجام آن از عهده خود این حزب برنمیآید .

اقلیت می گوید که کومه له و حزب دمکرات " ... در ادامه این روش سرخورد قطعا به درگیری مسلحانه کشیده میشوند " . منظور از این " روش سرخورد " چیست ؟ کدام روش سرخورد و روش سرخورد کدام تشکیلات مدنظر شماست ؟ اگر منظور عیارت از در پیش گرفتن سیاست عدم درگیری و کوشش برای تعیین خطوطی که نتواند مورد توافق طرفین قرار گیرد میباشد ، کومه له پرچم دار چنین سیاستی بوده و این حزب دمکرات است که با زیر بار تعیین چنین خطوطی نرفته و با نکات مورد توافق قرار گرفته را با رها زیر بار نهد است . پس راه جلوگیری از ایجاد درگیری روشن است ؛ کافیت حزب دمکرات به دموکراسی احترام بگذارد و برای " حل " اختلافات سیاسی به کومه له حمله مسلحانه نکند .

سچما می گوید " احترام گذاشتن به دموکراسی " مفهومی گنگ است ■ (ولی " دست داشتن کومه له از مواضع دموکراتیک خویش " گنگ نیست !) و بنا بر

این ما را به ریشه‌یابی طبقاتی
مسأله دعوت می‌کند :

"رفقای کومه‌له مطمئن باشند
چنانچه ما بهانه‌های غیرمنطقی
خود همچنان از دست‌یابی به
یک راه حل اصولی (!) خودداری
ورزیده و به این جنگ کور ادامه
دهند (پس این ما هستیم که
ادامه می‌دهیم!) ، ما تحلیل
مشخص خود را از این درگیری‌ها
همراه با ریشه‌یابی طبقاتی
مطلوب کومه‌له به توده‌های
زحمتکش خلق کرد و مردم سراسر
ایران اراده خواهیم داد"

(ر.گ. ۰۰ شماره ۰۱۵ ص. ۰۹ تا کیدها
ویرا نترها از ما است)

چه تهدیدهای خطرناکی!

اقلیت هنوز که هنوز است روی
انجام کاری که وظیفه هر نیروی
ما رکنیست - نینبیت واقعی و
مشول است ، شرط و شروط و اگر
ما ما میگذارد و آنرا به آینه
موکول می‌کند (لا بدایم یکی
از آن شیوه‌های "اصولی" اقلیت
در بر خورده به مسائل است) . او
هنوز ، پس از چند سال ، تازه
میخواهد از طریق اجساد
"کمیسونی مرکب از چندین
نیرو و شخصیت سیاسی" به "ریشه
یابی" مسأله بپردازد (به اولین
نقل قولی که از "ریگای گهل"
آوردیم مراجعه کنید) و اینچنین

"صف مستقل طبقه کارگر" (بخوانید :

"صف مستقل" اپورتونیسیم) را
نمایندگی کند! او بجای اینکه
همواره رشد سیاسی و ارتقاء سطح
آگاهی و تشکل توده‌ها در امر
مبارزه انقلابی و کمونیستی را
مد نظر داشته باشد ، بجای اینکه
توده‌ها را اصل و محور توجه خود
قرار دهد - که تنها با تکیه بر
چنین پایه توده‌ای ، پیشبرد هر
سیاست صحیحی در کمیسیون و
امثال آن امکان پذیر می‌گردد -

ابتداء از کمیسیونی شروع می‌کند
که چنانچه خود اقلیت یکی از
اعضا آن باشد سیاست دوپهلوی
متمایل به حزب دمکرات را اتخاذ
خواهد کرد . جا دارد از جفلا
این سوال را بکنیم ، آن سیاست
صحیح و انقلابی که شما باید با
تبلیغ آن در میان توده‌ها و
کردآوری آنان بدور این سیاست ،
خط ضد درگیری را در کمیسیون
تقویت کنید کدامست و قبیل از
پیشنها دایجا دکمیسیون چه اندازه
آنرا در عمل بکار بسته‌اید؟ آیا
شما تا کنون منشاء درگیری‌ها ،
یعنی سیاست‌های ضد دمکراتیک
و جنگ افروزانه حزب دمکرات
را برای توده‌ها روشن ساخته‌اید؟
آیا تا کنون اصول را مراعات
کرده‌اید که اکنون به فرعیات
("پیشنها دات" برای "جلوگیری"

به دموکراسی ... نمی‌امتداد
و باین استدعا‌های غیر طبقاتی
متوسل نمی‌شد" (ر.گ. ۰۰ شماره
۰۱۵ ص ۹)

حال ما از اقلیت می‌پرسیم : آیا
مقصدتان اینست که نباید
بهیچوجه و در هیچ مسأله‌ای به حزب

از درگیری (روی آورده‌اید؟

اقلیت که خود بخوبی میدانند
که ما مل درگیری نیست و کدام
نیرو چنین سیاستی را در پیش
گرفته است ، در اینجا برای برده
پوشی حقیقت ما را به "ریشه‌یابی"
مسأله دعوت میکند . پس بهتر است
که نمونه‌ای از "ریشه‌یابی" شیوه
اقلیت را نیز مورد بررسی قرار
دهیم . "ریگای گهل" میگوید :

"اولا بارمان ما موضع خود را
نسبت به ما هیت طبقاتی حزب
دمکرات کردستان و کومه‌له
بطور صریح ، روشن و واضح در
قطعه‌های نخستین کنگره و
در کلیه مقالات تحلیلی خود
مشخص نموده است ... آقای
دکتر شفیع اگر مشتاق مرور
کردن دوا راه آن‌هاست میتواند
به متن قطعه‌های مصوبه
اولین کنگره سازمان مراجعه
نماید" . (ر.گ. ۰۰ شماره ۰۱۵
ص ۹ ، تا کیدها از ما است)

بسیار خوب ، ما هم به متن
قطعه‌های کنگره جفلا
مراجعه می‌کنیم و از آن میان ،
نمونه‌ی پیرا انتخاب مینمائیم :
بند چهارم "قطعه‌ها درباره
روشن بر خورده به احزاب ، سازمانها
و گروههای سیاسی" در مورد حزب
دمکرات چنین میگوید : "پس
حزب ... از منافع طبقاتی

دمکرات اعتما دکرد؟ آیا منظور
شما اینست که حزب دمکرات هیچگاه
به مردم موکراسی پایبند نبوده و
بن احترام نخواهد گذاشت؟
در هر صورت چرا منظور خود را بطور
صریح مطرح نمی‌کنید و آنرا
به توده‌ها نمی‌گوئید؟

« - اگر منشأ مادی معیشت
وریشه طبقاتی این درگیری‌ها
آنگونه که اکنون کومه‌له ادعا
می‌کند ، برایش روشن و مسلم
بود ... هیچگاه بفکر جلب "اعتقاد"
از حزب دمکرات و کسب "احترام"

لایه‌های فوقانی خرده‌بورژوازی و بورژوازی محلی خلق کرد دفاع میکند. (با کیدها از ما است)

با یادمان کرد که قطعاً ما از این "صریح" نیرو "برخاصیت" تر پیدائشی شود! اقلیت کفایت نیروی را خرده‌بورژوا بنا مد تا راه را برای اتحاد نهرگونه وضعی نسبت به آن باز کند. زیرا خرده‌بورژوازی همان موجود هزار لایه‌ایست که اقلیت می‌شود هزار "فن" بپولیتسو، خود را از آن استخراج نماید. اگر از نیروی که به آن خرده‌بورژوا گفته است عملی سرزند که با در دگم "خرده‌بورژوازی در صف انقلاب قرار دارد" تنگدو و برای اقلیت صرف نکند که آن نیرو "همچنان در صف انقلاب قرار داشته باشد"، نیروی مزبور یک یا چند لایه بالا می‌رود و با "لایه فوقانی" آن بر جسته می‌شود. اگر از یک نیروی بورژوازی عملی سرزیده تنها در قالب "خرده‌بورژوازی ضد - امپریالیست" برای اقلیت قابل درک باشد و با "بنا به اقتضای سیاسی"، خدا می‌ریالیست و انقلابی نامیدن آن برای اقلیت "معید" باشد، نیروی مزبور بلافاصله یک یا چند لایه با پس می‌آید و با یکی از لایه‌های "مترقی و با پیشی" آن بر لایه "ارتجاعی و بالائی" آن ملط می‌گردد. او بنا به ملحت روز، از طریق افزایش یا کاهش لایه‌های مختلف خرده‌بورژوازی به "تحلیل طبقاتی" خویش، نیروی سیاسی مورد نظر خود را از انقلابی نامیستا

■ - واقعیت این است که کومه‌له و حزب دمکرات لایه‌های

انقلابی و از کمی انقلابی با غیر انقلابی تا فرمیست و با ضد انقلابی (و به همین ترتیب الی آخر!) "ترقی" و "تنزل" میدهد. بهمین نحو "تحلیل طبقاتی" اقلیت در مورد حزب دمکرات، "بطور صریح، روشن و واضح" ایپورتونیستی است. در نگاه اول چنین بنظر می‌آید که اقلیت حزب دمکرات را تنها به "دوجناح" (خرده‌بورژوازی و بورژوازی) تقسیم کرده و به بازی کردن با "دو برگ" اکتفا نموده است و لسی با دقت بیشتر معلوم می‌شود که شگرد اقلیت یا لایه از اینهاست. او حزب دمکرات را نماینده "منافع طبقاتی لایه‌های (چند لایه؟) فوقانی (کمی فوقانی یا خیلی فوقانی؟) خرده‌بورژوازی و بورژوازی محلی خلق کرد (بورژوازی هم به خلقی و غیر خلقی تقسیم شده و فعلاً قسمت خلقی آن)" میدانند! باید گفت که این نه تحلیل طبقاتی بلکه مناسب - ترین نام آن چرتکه بقالی است! اقلیت که بنا به تصور خود، خرده‌بورژوا بود و خرده‌بورژوا نامیدن حزب دمکرات را امتیازی برای آن میدانند، هنگامیکه در مقاله مورد بحث به جا بگه طبقاتی حزب دمکرات اشاره می‌کند، عبارت مربوط به بورژوازی بودن حزب دمکرات را از قطعاً مکنگره خود حذف کرده و تنها لایه "خرده‌بورژوازی" آن را باقی می‌گذارد. او "لایه" ای را که طبق محاسبات خودش فعلاً عرضه

متفاوت خرده‌بورژوازی را با منافع متفاوت نمایندگی

آن برایش صرفه نیست در مغازه لایه فروشی خود احتکار می‌کند و لایه‌ای را که مگر می‌کند در بازار معاملات بورژوازی سودآور تر است در جلوی مغازه اش می‌چیند. نتیجه چرتکه اندازی اقلیت با اینجا منجر می‌شود که: حزب دمکرات نماینده یک یا چند لایه خرده‌بورژوازی، کومه‌له نماینده خرده‌بورژوازی دهقانی (هنوز معلوم نیست چند لایه و با کدام لایه دهقانان!) و خود اقلیت مدافع طبقه کارگر ایران است! بدین سان اقلیت با خرده - بورژوا نامیدن کومه‌له و حزب دمکرات میتواند هر زمان بنا به میل خود هر کدام از صفات خرده‌بورژوازی را به هر یک از دو نیروی مذکور نسبت داده و لذا هرگونه سیاست و وضعی را بنا به ملحت روز نسبت به کومه‌له و حزب دمکرات اتخاذ کند و بسته به اینکه با کدام سو بژد او نیز مواضع خود را تغییر دهد. البته اقلیت در میان هر واحد را تعقیب می‌کند؛ او می‌خواهد قرا ر گرفتن خود در کنار حزب دمکرات را طبق "قاعده و قانون" و قالیهای که فعلاً برای بعضی لایه‌های خرده‌بورژوازی قائل بوده و عا لقی برای بورژوازی قائل نیست، توجیه نماید. بنا بر این، این سوال را که چرا "مدافع پرولتاریای ایران" (اقلیت)، ایپورتونیست از آب درآ شده، در کنار حزب دمکرات قرار گرفته و علیه کارگران و دهقانان می‌کند" (همان مقاله، ص ۹)



پیشرو

تورگان نامه نویسی کومهله - ایستان کوهستان خوری کوروشی ایران
تورگان نامه نویسی کومهله - ایستان کوهستان خوری کوروشی ایران

- پیام نوروزی ایرانمیس - ایوان سکرتری کوهستان کوهستان
- بخدا کوهستان کوهستان - کوهستان کوهستان کوهستان
- پیام نوروزی ایرانمیس - ایوان سکرتری کوهستان کوهستان
- بخدا کوهستان کوهستان - کوهستان کوهستان کوهستان
- پیام نوروزی ایرانمیس - ایوان سکرتری کوهستان کوهستان
- بخدا کوهستان کوهستان - کوهستان کوهستان کوهستان
- پیام نوروزی ایرانمیس - ایوان سکرتری کوهستان کوهستان
- بخدا کوهستان کوهستان - کوهستان کوهستان کوهستان

پیشرو کردی شماره ۶ منتشر شد

- در این شماره میخواهید:
- پیام نوروزی رفیق ایرا هیتم
- علیهزاده دبیر اول کومهله خطاب
- بمردم کردستان
- بخشی از پیام دفتر سیاسی حزب
- کمونیت ایران بمناسبت اول
- ماه مه
- درباره محافل ترویجی حزب در
- میان کارگران
- در پاسخ به فراخوان کومهله
- بخشهای وسیعی از مردم کردستان
- نمایش انتخاباتی رژیم را
- تحریم کردند.

همچنین:

- پیام بمناسبت ۸ مارس روز
- جهانی زن
- یادگرم
- سرود انترناسیونال
- جوله نری ۵ ماهه گروه تئاتر
- کومهله و گروه موسیقی بانگه‌واز

خود را درجا نبداری از یکی از طرفین اعلام نماید. حال اگر برای اقلیت، مسأله الزامات اصولی و طبقاتی علی السویه است پس در اینحال باید جنبه های "فنی" آن را محور کار خود قرار دهد، یعنی اینکه باید معلوم کند چه نیروی آما زگر درگیری بوده است و کدما میک نبوده و سپس مهاجم را محکوم نماید (و اساس فلسفه ایما دکمسیون نیز در همین نکته است).

اما اقلیت بنا به اظهار صریح خود از محکوم کردن مهاجم ظفره میروود آتراه اصولی با غیر اصولی بودن کل سیاست طرفین در سر خورد به مسائل متنوع اجتماعی ("گمرکات و امثالهم") منوط میسازد، و بالعکس! و باین سیاست اقلیت چیزی نمی توان اطلاق کرد جز یک سیاست شتر مرغی! زیرا هنگامیکه بحث بر سر اصول است، اقلیت همه را به طاق کمیسیون دعوت می کند و زمانیکه صحبت بر سر معیارهای کار کمیسیون است بقیه در صفحه ۹

ایستاده است، خود اقلیت باید جواب دهد.

اقلیت، که طبق گفته های خود، هم کومهله و هم حزب دمکرات را نمایندند لایه های متفاوت غرده بورژوازی معرفی می کنند، چنانچه بر مبنای این "تحلیل" نخواهد از لحاظ سیاسی و طبقاتی از هیچکدام از طرفین درگیری جانبداری نماید، بنا بر این باید مسأله درگیری را از زاویه های فنی و حقوقی یعنی از این زاویه که کدام نیرو آما زگر حمله و کدام نیرو مورد حمله واقع شده است مورد توجه و قضاوت قرار دهد. بعبارت دیگر اگر اومسأله را از لحاظ طبقاتی نگاه کند دیگر نیاید این امر را که چه کسی اول تلیک کرده است یا نکرده است مبنای قضاوت خود قرار دهد بلکه در هر حال باید از آن نیروی جانبداری کند که هم طبقه او و هم از لحاظ سیاسی نزدیک به او است. در اینحال از قضاوت و پشتیبانی خود را نباید به کمیسیون موکول کند و صرف نظر از وجود یا عدم وجود هر کمیسویی باید موضع روشن

دهقانان پشتیبانی می کنند، دیگر باین مسأله نمی پردازد که آیا این دهقانان بودند که "ابتدا" به معادله اراضی دست زدند یا اینکه مالکین و ما موران دولت بودند که ابتدا دهقانان را مورد تعدی وزندان و غیره قرار دادند. مثال مشخص تر: پشتیبانی کومهله از بهکار، هنگامیکه این سازمان مورد حمله دمکرات قرار گرفت.

■ - مثال اول: کسی که از منافع طبقاتی پرولتاریا دفاع می کند، همواره مبارزه پرولتاریا علیه بورژوازی را بر حق میدانند و بورژوازی را محکوم می کند و از این زاویه که آیا پرولتاریا آما زگر فلان حمله بوده است یا بورژوازی به مسأله نمی نگرد.

مثال دوم: هنگامیکه طبقه کارگر از معادله انقلابی اراضی توسط

نگاهی به لیست اسامی شهدا منتشره در "مجاهد"

آنچه که مدعی و وانمودکننده
آنست که ملامتا بر است .

"مجاهد" شماره ۱۶۸ در صفحه ۱۲
میگوید: "حاکمیت اختناق و

سرکوب مریان و ارماب و تهدید
خانواده‌های شهدا توسط عمال و
مزدوران رژیم از یکطرف و وسعت
و گستردگی مقاومت سراسری از
طرف دیگر جمع‌آوری اسامی و
مخفیسات کلیه شهدا را فوق العاده

دشووار نموده است". در اینجا
دلایل فوق میخوانندگانی (نه
همیشه) جمع‌آوری مخفیسات شهدا

را دشوار سازند شکی نیست. اما
گره کار "مجاهد" در اینجا است که
موانع فوق الذکر را برای

پوشاندن اهداف و سیاستهای
واقعی مجاهدین خلق برجسته
کرده است و الا چه کسی نمیتواند

این نکته را درک کند که برای
نمونه، بدست آوردن لیست
شهدای کومه‌له (چه قبیل از ۳۰

خرداد ۶۰ و چه پس از آن) نه محتاج
"دهها هزار ساعت کار متمرکز و
سازمان یافته" (آنطور که

"مجاهد" در صفحه ۱۲ میگوید) بلکه
حداکثر به کار چند ساعت یک نفر

نیاز داشته و سرکوب و ارماب رژیم
در کردستان، بدلیل شرایطی که
جنبش مسلحانه خلق کرده دیده‌آورده

و دسترسی فوری به اسناد علنی
تمام سازمانهای سیاسی موجود
در کردستان را فراهم ساخته،
بهیچوجه نمی‌توانست در تدوین
لیست شهدای جنبش خلق کرد
تا شیری داشته باشد.
حقیقت اینست که آنچه بر کار
مجاهدین خلق در تدوین لیست
اسامی شهدا ناطر بوده، تمصب

سال گذشته (هفدهم شهریورماه)،
سازمان مجاهدین خلق ایران در
نشریه "مجاهد"، لیستی تحت
عنوان "اسامی و مشغلات بخشی
(۷۷۴۶ تن) از شهدای انقلاب
نویسن ایران" بجا برساند.

بدیهی است که از نظر ما هر
سازمانی در اعلام نام شهدا
مفترا است که با تنها به ذکر اسامی
وابستگان سازمانی خویش اکتفا

کند و یا علاوه بر آن، اسامی مربوط
به دیگر گروهها و سازمانها را نیز
منتشر نماید. حداقل تاثیر که

اینکار را در اینست که با عماد
جنايات جمهوری اسلامی را در
برابر چشمان توده‌ها قرار داده و
آنها را برای مجازات ماملان

اینهمه کشتار و جنايت آماده‌تر
و مضم ترمی سازد.
بنا بر این چنانچه "مجاهد"،

تنها به ذکر اسامی شهدای سازمان
مجاهدین اکتفا می‌کرد (و عنوان
متناسب با آنرا نیز انتخاب

مینمود) و با چنانچه در اعلام نام
"شهدای انقلاب نوین ایران"،
امانت‌داری و عدم حرکت از منافع

گروهی را نسبت به نیروهای
انقلابی و کمونیست سبای کار
خویش قرار میداد ابراری بآن

وارد نبود. اما مسأله اینجا است
که با وجود اینکه "مجاهد"، چه در
عنوان انتخاب شده و چه در لیست
اسامی، مدعی مدنظر قرار دادن
دیگر سازمانها نیز هست، ولی در
واقع آنچه ارائه داده است با



برنامه حزب کمونیست ایران

مصوب
کنگره مؤسسان حزب کمونیست ایران
تیرماه ۱۳۴۲

را بخوانید



برنامه کومه‌له برای خود مختاری کردستان

مصوب کنگره چهارم
سازمان کردستان حزب کمونیست ایران - کومه‌له
بهار ۱۳۴۲

را بخوانید

کارگران، به حزب کمونیست ایران پیوندید!

و مافع گروهی، پرده پوشی و سابق مبارزاتی نیروهای انقلابی و کمونیست، نوونیسیم ملی و توجیه مواضع سیاسی آشکارا سازشکارانه مجاهدین خلق در برابر جمهوری اسلامی قبل از ۳۰ خرداد ۶۰ بوده است. برای سازمان مجاهدین خلق، "انقلاب نویسن ایران" از هنگامی آغاز میشود که خود این سازمان موردیورش جمهوری اسلامی قرار گرفت و هیچ راهی برای ادامه سیاست آشکارا سازشکارانه مجاهدین باقی نماند. قبل از این تاریخ (۳۰ خرداد ۱۳۶۰) سازمان مجاهدین خلق به کوشش برای مقبولیست یافتن نزد جمهوری اسلامی و کمک به متوهم ساختن ذهن توده ها نسبت به این رژیم مشغول بود. هنگامی که انقلاب ادامه داشت و در برابر آن رژیم جمهوری اسلامی از فردای قیام به سرکوب انقلاب و به کشتار توده های کارگر و زحمتکش و انقلابیون و کمونیستها در همه جای ایران (از کردستان گرفته تا ترکمن صحرا و از بندر انزلی و تهران گرفته تا خوزستان و بلوچستان) روی آورده بود، کار و کوشش سازمان مجاهدین خلق این بود که عدم شرکت خود در این "درگیریها" را به جمهوری اسلامی ثابت نماید، به رویم "نه حل" پیشنهاد دکنده به خمینی القاب و مناوین بالاتر از "رئیس جمهور منتخب مردم" اعطا نماید. به همین دلیل است که از ذکر اسمی انقلابیون و کمونیستهائی که مرگ را پذیرا شدند اما در برابر جمهوری اسلامی سر تسلیم و سازش فرودنیا آوردند هراس دارد، زیرا

ا زمان به بلان سیاست خود در آهنگام را در اینکار مشا هده می کند. افشای آن سیاستی را می بیند که گرچه پس از ۳۰ خرداد ظاهر حکومت آمیزتری علیه جمهوری اسلامی بخود گرفته اما همچنان لیبرالی باقی مانده است.

بطور خلاصه، همان سیاستی که میخواد خود را تنها "الترناتیو" در برابر جمهوری اسلامی وانمود کرده و از این طریق برای خود وجهه اعتبار کسب نماید، همان شونیسیمی که "پیشمرگان مجاهد" را میدان دار مبارزه در کردستان (آنهم برای "دفاع از تمامیت ارضی ایران") وانمود میسازد، همان سیاستی که برعادلانه بودن مبارزه سیاسی و نظامی سازمانها و توده های انقلابی قبل از ۳۰ خرداد پرده سارمی افکند، همان سیاستی که در برابر کمونیسم و دموکراسی انقلابی از لیبرالیسم دفاع مینماید، در تدوین لیست اسمی شهدا از سوی مجاهدین خلق نیز انعکاس یافته است.

دبیرخانه حزب کمونیست ایران لیست فوق الذکر را مورد بررسی قرار داد و نامه ای را که در همین شماره "کمونیست" ملاحظه میکنید برای مسئولین نشریه "مجاهد" ارسال داشت (این نامه در تاریخ ۲۶ بهمن ماه ۶۲ - برابر با ۱۹۸۴/۲/۱۵ - دفتر مجاهدین از آن بیعدالتا کنون، هیچگونه اقدامی در قبال نامه مذکور - خواه از طریق چاپ نامه و ضامم آن در "مجاهد"، خواه از طریق مکاتبات با دبیرخانه حزب کمونیست

ایران و با هر طریق ممکن دیگر - از سوی مسئولین مربوطه انجام نگرفته است. لذا بنا به تصمیم دفتر سیاسی حزب کمونیست، ما این نامه را در این شماره "کمونیست" چاپ میسازیم تا نکات مطرح شده در آن مورد قضاوت همگان قرار گیرد.

نامه دبیرخانه حزب کمونیست ایران به "مجاهد"، اگرچه حاصل یک بررسی کوتاه و اجمالی در مورد لیست اسمی است، با اینحال وجود ناقص و اشتباهات فراوان در لیست مذکور و اهداف واقعی مجاهدین از انتشار این نوع لیست اسمی را بخوبی برملا میسازد و همین ثابت میکند که چنانچه لیست ارائه شده مورد بررسی مفصل تری قرار گیرد، کمبودها و اشتباهات آن (که به پیچوجه ناشی از یک سهل انگاری ساده و یا "بی اطلاعی" تدوین کنندگان نبوده است) بسی بیشتر عیان خواهد شد.

بیمه بیکاری حق
مسلم کارگران است

قدرت طبقه کارگر
در تشکل اوست

نامه دبیرخانه ح.ک.ا. به "مجاهد"

مبتولین محترم نشریه "مجاهد"

در "مجاهد" شماره ۱۶۸ بتاريخ ۱۷ شهریورماه ۶۲ لیستی تحت عنوان "اسامی و مشخصات بخشی (۷۷۴۶ تن) از شهدای انقلاب نوین ایران" بجا برسیده است. از آنجا که در این لیست اشتباهات فراوانی بچشم میخورد که تصحیح آنها را ضروری میدانیم، لذا انتظار داریم این توضیحات و ضامنتها در نشریه "مجاهد" بجا برسانید:

۱ - در لیست منتشره از طرف شما اسمی از شهدای قبل از ۳۰ خرداد ۶۰ برده نشده است. جا دارد پرسیده شود مگر چه دره عمیقی این شهدار از شهدای پس از ۳۰ خرداد جدا میکنند؟ و آیا کشتارهایی که رژیم جمهوری اسلامی قبل از ۳۰ خرداد از مبارزان ایران بعمل میآورد، به چه عنوان قابل اغماض و صرف نظر کردن است؟ بعنوان مثال آپارفاشی مانند فواد مظفری سلطانی عضو کمیته مرکزی کومله و چهره محبوب زحمتکشان کردستان، شیرمحمد درخشنده توماج از رهبران انقلابی خلق ترکمن، ناصر توفیقپنجان کارگر انقلابی که در تهاجم جمهوری اسلامی به کارگران بیکار شهید شد، ابوشاهین (فواد عرب) عضو سازمان وحدت کمونیستی که در صفوف پیشمرگان کومله میرزمید، محمد مایی (کاک شوان) فرمانده پیشمرگان کومله در جنگ ۲۴ روزه سنندج و دهها و صدها تن نظیر آنان را نمیتوان و نباید جزو "شهدای انقلاب نوین ایران" بشمار آورد؟ در حالیکه کسانی مانند صادق قطب زاده و خسرو قشقایی چون پس از ۳۰ خرداد بدست رژیم اعدام شده اند، جزو "شهدای انقلاب نوین ایران" محسوب شده اند، آیا این بمعنای تبرئه رژیم جمهوری اسلامی از جنایاتی است که قبل از ۳۰ خرداد مرتکب شده است، نیست؟ آیا این تحریف کردن تاریخ بخاطر منافع گروهی نیست؟

۲ - در لیست منتشره از طرف "مجاهد" تعداد زیادی از شهدای پس از ۳۰ خرداد ذکر نشده است. بعنوان مثال تنها نام ۷۲ تن از شهدای کومله ذکر شده که ۷ مورد آنهم بدون ذکر وابستگی سازمانی و یا با انتساب سازمانی اشتباه میباشد. یعنی در این لیست ۶۵ نفر بنام شهید کومله وجود دارد، در حالیکه کومله از همان تاریخ ۳۰ خرداد تا تاریخ انتشار لیست شما صدها تن شهید داشته که کوچکترین نامی از آنها در لیست منتشره از طرف "مجاهد" نیامده است. لازم بتذکر است که نام و مشخصات این شهدا بموقع از طرف "غیرنامه" کومله و با "رادیو" صدای انقلاب ایران اعلام گردیده و هم اکنون موجود است.

۳ - همچنین در اسامی شهدای اعلام شده در لیست "مجاهد" اشتباهات متعددی از لحاظ هویست ایدئولوژیک شهدا و یا وابستگی سازمانی آنها بچشم میخورد. برطبق تحقیقات تاکنونی و در دسترس ما جمعا ۱۷ نفر از شهدای کمونیست بنام مجاهد ذکر شده و ۲۹ نفر از شهدای کمونیست ناشناس اعلام شده اند. اشتباهاتی هم در مورد انتساب سازمانی آنها بچشم میخورد. قابل ذکر است که این موضوع حتی شامل رفقای سرشناس و با رفقای که شهادت آنها قبلا توسط سازمانها و حتی از طرف جمهوری اسلامی اعلام گردیده اند هم میشود.

سوالی که در اینجا برای ما مطرح میشود اینست که چنانچه مقصود از تهیه این لیست فقط لیست شهدای مجاهدین و هواداران آنها نبوده پس چرا قبلا با سازمانهای دیگر در این رابطه تماس گرفته نشده است؟ چرا اسناد مکتوب این سازمانها بهیچوجه مورد نظر قرار نگرفتهاند؟ چرا حتی اظهارات و اسناد اعلام شده، جمهوری اسلامی نادیده گرفته شده است؟ بعنوان مثال چرا از رفیق سرشناسی مانند علیرضا سپاسی آشتیانی اطلاعی برده نشده، چرا احمد مصطفی سلطانی برادر کاک فواد، دمکرات و ماجد مصطفی سلطانی برادر دیگر کاک فواد نامعلوم قلمداد شدهاند و حال آنکه هم جمهوری اسلامی و هم کومه له این موضوع را اعلام کرده بودند؟ چرا قسمت اعظم شهدای کمونیست ایران از قلم افتادهاند و آنان هم که اعلام شدهاند باین صورت منفلوط ارائه شدهاند؟ در حالیکه امکان دسترسی به این اسناد و آمار کاملاً برای شما وجود داشته است؟

بنابراین ما بخود حق میدهیم اعلام کنیم که لیست تهیه شده از جانب "مجاهد" بهیچوجه امانت دارانه نیست، بلکه بخاطر مقامد تبلیغاتی گروهی تهیه شده و در این راه تاریخ و وقایع تاریخی دوره اخیر ایران را به بازی گرفته است.

دبیرخانه حزب کمونیست ایران

۶۲/۱۰/۲۲



دوره جدید

پیشرو

ارگان مرکزی سازمان کردستان حزب کمونیست ایران - کومه له

شماره ۱

خردادماه ۱۳۶۳

۵۰ ریال

زنده باد قدرت شوراها

سازمان کردستان حزب کمونیست ایران

سرمقاله

پیروزی چشم انقلابی خلق کرد، درگرو اتحاد سیاسیهای کمونیستی است

دوره جدید

۲۲

اطلاعیه کمیته مرکزی کومه له

بهمناسبت سیاست سربازگیری جمهوری اسلامی در کردستان

۲۰

درصحات دیگر بجهت:

- اخبار چشم انقلابی کردستان ۲۲
- در پاسخ به فرمان کومه له بشان ویسی از مردم کردستان شما بشان انتقاد با تشکر از تحریریه کومه له ۲۱
- گواهی یاد یاد جانباختگان راه سوسیالیسم ۲۲
- درها شیه ۲۱

کارگران جهان متحد شوید!

اولین شماره
"پیشرو" (دوره جدید)
ارگان مرکزی
سازمان کردستان
حزب کمونیست
ایران، به زبان
فارسی منتشر
شده.



اصول و سیاستکار

حوزه های حزبی

در ستاد حزب کمونیست ایران
دوره جدید ۱۳۶۳

چاپ جدید از انتشارات
حزب کمونیست ایران

زنده باد حق ملل در تعیین سرنوشت خویش

اسامی شهدای کمیونیتی که نام معلوم عنوان شده اند

شماره ردیف	شماره ردیف مطابق لیست "مجاهد"	نام و نام خانوادگی	وابستگی سازمانی
۱	۲۹	حسین آذری فرید	بیکار
۲	۲۸۵	مادق اخوت	بیکار
۳	۱۴۸۵	روح الله تیموری	بیکار
۴	۱۵۲۰	احمد جانفشان وظیفه	بیکار
۵	۱۵۳۰	کریم حاویدی	بیکار
۶	۱۷۲۶	کامیار جهان سیکلری	بیکار
۷	۱۹۷۸	رضا حسینعلی خانی	بیکار
۸	۲۰۶۲	علی اکبر حق بیان	بیکار
۹	۲۰۶۳	محمدهاشم حق بیان	بیکار
۱۰	۲۱۸۱	بهرروز خاصه	بیکار
۱۱	۲۱۹۷	علی اکبر خان احمدی	بیکار
۱۲	۲۳۶۰	جواد خیاط زاده	بیکار
۱۳	۲۴۲۱	علی اکبر داوری	بیکار
۱۴	۲۷۵۲	داریوش رضا زاده	بیکار
۱۵	۳۵۳۹	احمدرضا شفیق زاده	بیکار
۱۶	۳۹۴۲	فرزانه صدی	بیکار
۱۷	۵۰۷۵	یعقوب کسب پرست	بیکار
۱۸	۶۰۰۱	فیروزه ملک تجاری	بیکار
۱۹	۵۳۵۷	ماجد ممطفی سلطانی	کومه له
۲۰	۶۳۳۰	عطیه ناظم رضوی	بیکار
۲۱	۶۶۲۸	داریوش نیکوسین	بیکار
۲۲	۶۵۰۶	مجید نگهداری	بیکار
۲۳	۴۶۷۳	عبدالحمید فیاض	بیکار
۲۴	۶۳۲۰	کاظم نادری	بیکار
۲۵	۶۵۰۹	امیر نمازی زادگان	بیکار
۲۶	۴۶۱۲	سعید رحمان نبور	کومه له
۲۷	۴۰۰۳	فایق نازام (ظالم)	کومه له
۲۸	۶۸۷۵	رضا بسمیسی	کومه له
۲۹	۶۳۲۵	عبدالرحمن نازج (صحیح) ; عبدالله رحمان نازج	کومه له

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

اسامی کمونیستهایی که مجاهد خوانده شده اند

شماره ردیف	شماره ردیف مطابق لیست "مجاهد"	نام و نام خانوادگی	وابستگی سازمانی
۱	۷۶	ظاهره آقاخان مقدم	کسروه نبرد
۲	۶	فریدون آبرومند آذر	اتحاد مبارزان کمونیست
۳	۲۰۱	مسعود ابوسعیدی	سازمان پیکار
۴	۸۵۵	روح الهه باقروند	سازمان پیکار
۵	۱۶۷۶	بیژن جنتی	فدائی
۶	۱۷۷۶	مسعود چمن پیرا	سازمان پیکار
۷	۱۹۵۶	محمود حسنی مقدم	سازمان پیکار
۸	۲۹۵۸	مجتبی زرگری	سازمان پیکار
۹	۳۴۹۳	مرتضی شرفی	سازمان پیکار
۱۰	۳۸۳۹	فرزانه صبوری	سازمان پیکار
۱۱	۶۴۹۳	خالق نقده	سازمان پیکار
۱۲	۷۵۲۹	محسن کهریزی	سازمان پیکار
۱۳	۱۶۹۲	عبدالکریم جوادی	سازمان پیکار
۱۴	۵۲۱	عبدالنبی افشاری	سازمان پیکار
۱۵	۶۷۹۷	حسین هوشیاری	سازمان پیکار
۱۶	۶۶۰۲	مسعود نهازمنند	اتحاد مبارزان کمونیست
۱۷	۳۸۳۷	سعید صبوری	سازمان پیکار

اسامی شهدای کمونیستی که وابستگی سازمانی آنها اشتباه ذکر شده است

شماره ردیف	شماره ردیف مطابق "مجاهد"	نام و نام خانوادگی	وابستگی سازمانی واقعی	وابستگی سازمانی برطبق لیست "مجاهد"
۱	۴۴۱	مجتبی احمدزاده	رزمندگان کمونیست	فدائی
۲	۶۳۴	امجد معطفی سلطانی	گومه له	حزب دمکرات
۳	۹۹۶	خلیل بلوری	رزمندگان کمونیست	حزب دمکرات
۴	۶۶۸۷	فرنوش وکیل زاده	اتحاد مبارزان کمونیست	اتحادیه کمونیست ها
۵	۵۵۶۲	محمد محمدی	رزمندگان کمونیست	رزمندگان
۶	۵۳۵۸	حسین ماجدی	اتحاد مبارزان کمونیست	پیکار
۷	۳۹۰۷	انوشیروان صفائی سمعانی	پیکار	رزمندگان
۸	۳۷۱	جهان شاه اسعدی	گومه له	حزب دمکرات

یادداشت‌های کوتاه

نمایش توده‌ای مآبانه
اکثریت

پس از اعلام جنگ آشکار جمهوری اسلامی به سازمان فدائیان خلق اکثریت و معاف شدن اجباری این سازمان از محاکمات رژیم پهلوی تا شعومادقانه انبیدرگاه رژیم پهلوی این سازمان "پرافتخار" قصد دارد درکنار پیشرده انتقاد، کوشیده از "سازش غیراصولی روحا- نیت مبارز با جناح راست حاکمیت" جنبه متحد خلق را نیز برای پیشرده این امر مغطیر، با متحد ساختن و گرد آوردن دیگر نیروهای رویزیونیست طرفدار شوروی به زیرپرچم مفتضح حزب توده رونق تازه‌ای ببخشد.

شاهد ما مقاله‌ای است که در دوره جدید نشریه "کار" تحت عنوان "مسائل مبارزین چپ و نیازهای جنبش ما" چاپ شده است. مخاطبین مقاله را جریبا ناخشنی تشکیل می‌دهند که در سوسیالیست بودن شوروی هیچگونه تردیدی ندارند. لحن و عباراتی که اکثمت برای مخاطبینش بکار می‌گیرد، بیشتر مناسبات حزب توده و فدا- فیان را در سالهای قبل بیاد می‌آورد. در آن زمان فدائیان تند و تیز به حزب توده می‌تاختند و از چپ و راست بدویبراه نثار او می‌کردند. مادر عوصی حزب توده آنی از نصیحت کردن این

فرزندان محول و جنجالی خود خسته نمیشد و حملات آنرا با این عبارت بدراننه و دوراندیشانه پاسخ میداد که: "هرچه سچفخا بیشتر بما نزدیک میشود، بیشتر بما ناسزا میگوید".

اکنون اکثریت که در اثر کار پرحوصله! و عاقلانه! حزب توده به زائده این حزب تبدیل شده است همان شیوه و فکرها را برای رفع خجالت از رویزیونیستهای شرگیب و جلب و جذب آنان بکار می‌گیرد. با عناوین "رفقای ققیم" و "مبارز- بین صادق" آنرا مورد خطاب قرار میدهد. اهداف و مواضع مشترک را به آنان یادآوری میکند و آنها را به همکاری و اتحاد حول این مواضع فرا میخواند. در این فراخوان بخصوص سازمان اقلیت مورد تاکید و توجه اکثریتها قرار دارد. اکثریت ضمن سرزنش رفقای قدیم "اقلیتی" خود بخاطر انشعاب "نادرست" و "زبان باز" شان، اظهار امیدواری میکند که "سازمان فدائیان خلق ایران امروز هم مثل آنروز که انشعاب اعلام شد انتظار دارد که این جدایی پایان بگیرد و رفقای که بنابه دلالی کاملاً بی اساس صفوف سازمان خود را ترک کرده‌اند به سازمانشان برگردند". (تاکید از ما است).

و سپس با تاکید بر نقش درجه اول حزب حاکم شوروی در تعیین خط منی جهانی رویزیونیستی و سرچذر

داشتن "رفقای قدیمی" از روی آوری به هر نوع سوسیالیسم دیگری بغیر از "سوسیالیسم تنوع روسی، هرگونه جدائی و دوری از این اردوگاه رویزیونیستی را تصوری بسپوده و عبت قلمداد میکند و به خانواده متلانی شده فدایی فراخوان میدهد که به جداییها پایان دهند و این بار زیرپرچم رویزیونیستی آشکارو تمام معیار، بدورهم گرد آیند. "کار" در خاتمه اضافه میکند که: "ما میتوانیم مبارزه در این راه راه حلقه اصلی مبارزه برای از میان بردن بسیاری از گرفتاریها و پراکنگیها مبدل کنیم. اقلیت، راه کارگر، انشعاب ۱۶ آذر و دیگران علیرغم همه اختلاف نظرها، بر سر برخی از مسائل عمده با سازمان ما دارای مواضع مشترکی هستند...". (تاکیدات از ما است).

اکثریت بدون اینکه وجود پاره‌ای خرده اختلاف مقطعی را کتمان کند تمام تاکید خود را روی اشتراک مواضع بر سر "مسائل عمده" قرار میدهد و از دیگران نیز میخواهد که مواضع مشترک بر سر این "مسائل عمده" - تعلق به یک اردوگاه رویزیونیستی - را مورد توجه قرار داده و اجازه ندهند که بیش از این بخاطر اختلافات جزئی این نیروها در تفرقه و پراکندگی بسر برند. اکثریت به این شیوه میخواهد دیگر رویزیونیستها را نیز به آخر راهی که در پیش گرفته‌اند، یعنی به منج‌سلاط انحطاط سیاسی که هم اکنون خود در آن دست و پا می‌زنند، بکشاند. امروز دیگر رسوا شده‌ها و بی- شرافتی‌های سیاسی اکثریت که

هر روز برای ما روزگارگر است

این کلمات قمار خمینی نیست که دوباره در تیتیر درشت روزنامه ها جای گرفته است، این اظهار فضل جدید وزیرکار در پیامش بمناسبت روز کارگر است. جناب وزیرکار که قبلاً تصمیم هشیست دولت را مبنی بر اینکه "روزگار - گر تعطیل نخواهد بود و واحتهای تولیدی و کارخانجات به تلاش بیشتر در این روز باید ادامه دهند و سود حاصل در این روز به جبهه های جنگ اختصاص خواهند یافت" اعلام کرده و بیگاری برای جبهه های جنگ راه کارگران و ده داده بود، در آستانه روز کارگر به کارگران پیام میدهد که:

"اگر بنا باشد بمناسبت گذشته شدن تعدادی از کارگران در گوشه ای از جهان در تظاهرات اول ماه مه روز کارگر تلقی شود، زهی افتخار به کارگران زحمتکش و با ایمان وطن الامیمان که هر روز برای آنان روز کارگر است."

روزی نیست غیر شهادت عده ای از دلاوران کارگر از جبهه های نبرد حق علیه باطل دریافت نشود. روزی نیست که اخبار افتخار آفرین تلاش بی وقفه شما در مقابله با نبرد تحمیلی استکبار جهانی در جبهه های اقتصادی دریافت نکنیم، پس هر روز برای ما روز کارگر است. سرحدی زاده این نوکرتازه بدوران رسیده بورژوازی فراموش کرده است که روزهای شکنجه و زندان و تیرباران کارگران

بخطا آوردن اسباب و جان هرناسان آزاده و باشرقی را آزار میدهد. آشکارتر از آن است که نیازی به توضیح و یادآوری داشته باشد. اما لازمست در مورد اقلیت و راه کارگر، یعنی جناح شرمگین اردوگاه رویزیونیسم مدرن در ایران نکته ای را توضیح دهیم. این سازمانها از یکسو برای راه یافتن کامل به اردوگاه رویزیونیستی شوروی و ارتقاء یافتن به مقام دفتر نمایندگی شوروی در ایران از هیچ کوششی - از یادآوری بی لیاقتیها و افتخارات حزب توده به "حزب برادر بزرگتر"

گرفته تا عصمت و عناد لجام گسیخته علیه مارکسیسم انقلابی و حزب کمونیست ایران - فرو گذار نمیکند و از سوی دیگر تلاش دارند تا با طرحد بر خسی انتقادات نیم بند از سیاستهای رسوای شوروی، نزد طبقه کارگر و توده های مردم ایران اعتباری برای خود کسب کنند. اما بی شک این سیاست کجدار و مریز، بخصوص اکنون که حزب توده و اکثریت به جرگه اپوزیسیون نیم بند رژیم جمهوری اسلامی پیوسته و از این لحاظ نیز به اقلیت و راه کارگر نزدیک شده اند، بیش از این قابل ادامه نیست. با یاد شرم و حیا را کنار گذاشت و مانند اکثریت به زائده حزب توده تبدیل شد و با از سونوشت اسفبار "رفقای قدیمی" درس گرفت و با قیمانده حیثیت و شرف انقلابی خود را نجات داد. برای اقلیت و شریک راه کارگریش "دو راه بیشتر وجود ندارد".

کمونیست و انقلابی و کشتارهای دسته جمعی توده های کارگران از سوی جمهوری اسلامی رابه لیست خود اضافه کند و آنها را نیز روز کارگر بنامد!

غیر آقای سرحدی زاده! این روزها شی که نام میبرید روز شما و هم طبقه های شما، روز بورژوازی، روز حاکمیت سرمایه است. روز کارگر روز کشته شدن کارگران بدست سرمایه داران جناپتکاری چون شما و اسلاف شما نیست، بلکه روز اعتراض جهانی کارگران علیه ددمنشی های طبقه است که شما یکی از نوکران تازه بدوران رسیده آن هستید. اگر جمهوری اسلامی شما در دفاع از منافع و حاکمیت سرمایه هر روز عده ای از کارگران راه کام مرگ در جبهه های جنگ و با امارت و شکنجه و اعدام در زندانها میفرستد، اگر با کمترین مزد انجام سنگینترین و مشقت بارترین کارها را به کارگران تحمیل میکند، و شما با تمام وقاحت و زدالتی که از همه مدافعین اسلامی سرمایه انتظار میرود این تکرار هر روز ضایعات خود را روز کارگر مینامید، مطمئن باشید که طبقه کارگر ایران معنای واقعی روز کارگر را بیش از پیش به شما و همه سرمایه داران و قهره نوکران آنان در ایران نیز خواهد فهماند.

اخراج تنها در صلاحیت

مجمع عمومی کارگران است

حکومت سودان هم اسلامی شد!

بعد از اعلام حکومت اسلامی از جانب رژیمهای نظامی بنگلادش و پاکستان، اخیراً رژیم سودان نیز به جرگه دیکتاتورهای نظامی - اسلامی پیوست.

جعفر نمیری دیکتاتور سودان بدنبال وسعت و گسترش مبارزات توده‌ای در این کشور و پس از برقراری حکومت نظامی برای مقابله با این مبارزات، بلافاصله اعلام کرد که از این پس حکومت اسلامی در سودان برقرار خواهد شد و قوانین اسلامی با اجرا در خواهد آمد. او پس از "ارتقاء دادن" حکومت نظامی خود به حکومت اسلامی، بعنوان اولین گام در اجرا، قوانین اسلامی یک شیشه مشروب را به زمین زد و شکست و اجرای بقیه این قوانین را به جلادان و دزدیمان چکمه پوش و معمم زیر دست خود سپرد.

ظاهراً جمهوری سیاه فاشیستی اسلامی در ایران نمونه و سرمشق موفقی برای دیکتاتورهای نظامی در "کشورهای اسلامی" بوده است. اگر تاکنون حکومت نظامی ابزار مناسبی برای سرکوب‌گشستن و نقض عربان مبارزات توده‌ها و نقض و سلب آشکار کلیه حقوق آزادی‌های دموکراتیک بشمار میرفت و دولتهای سرکوبگر بورژوازی به عنوان آخرین چاره در مقابله با مبارزات و خواستههای انقلابی

مردم تحت سلطه خود به برقراری حکومت نظامی توسل می‌جستند، امروز ۵ سال تجربه جمهوری اسلامی در ایران به امپریالیسم و بورژوازی نشان داده است که آنچه از اسلام و تعمیق سرکوب مذهبی ساخته است، از سرنیزه به تنهایی ساخته نیست. حکومت اسلامی نه تنها به دیکتاتورهای نظامی بورژوازی مشروعیت میبخشد و سرنیزه خونین سرهنگان و ژنرالهای حاکم را با آیات و احکام آسمانی تطهیر و تبرک میکند، بلکه در سرکوب مبارزات توده‌ها و کشتار انقلابیون و کمونیستها دارای چنان ظرفیتها و قابلیت‌های ویژه است که از حیطه قدرت و امکانات یک حکومت نظامی غیرمذهبی خارج است.

سنگسار کردن و به شلاق کشیدن مردم در ملا عام، محروم کردن زنان از ابتدائی ترین حقوق سیاسی و اجتماعی، شکنجه قانونی و رسمی زندانبانان سیاسی تحت عنوان تعزیر، اعدام علنی زن و بیرو جوان و کودک، کشتار دسته جمعی انقلابیون کمونیست و کارگر - ان مبارز بعنوان "معارضین با خدا" و "باغی" و "باغی"، سرکوب وسیع و سبانه هر مبارزه و خواست دموکراتیک و قدسرها به داری توده مردم و انقلابیون با اسم فدیت با خدا و قرآن، اینها همه جزئی از خدمات استثنائی اسلام به بورژوازی و امپریالیسم است، خدماتی که "قوانین اسلام" و "احکام فقهی و شرعی" انجام آنها را بطور رسمی

و قانونی و در شکلی عوامفریبانه تر، همه جانبه تر و طولانی مدت تر از فاشیستی ترین "مقررات حکومت نظامی" تفصیل کرده است. پس بی سبب نیست که جلادان چکمه پوش رسوا و منفوری چون ژنرال ارشاد، ژنرال ضیاء الحق و مارشال نمیری با اوچگیری اعتراضات و مبارزات توده‌ها در زمانیکه دیگر توپ، تانک، مسلسل اثر خود را از دست داده است یکی پس از دیگری - اسلام و اجرای قوانین اسلامی روی میا و روند آنها در واقع آن نوع "انقلابی" را که رژیم جمهوری اسلامی ما در گذشته است با آغوش باز به کشور خود وارد میکنند تا مگر "غیرات و برکات و معجزات" اسلام شامل حال سرما به بی بورژوازی در کشورشان نیز بشود.



کمونیست ارگان مرکزی حزب کمونیست ایران

ما هانه منتشر میشود

هیأت تحریریه:

حمید تقوایی

منصور حکمت

شعب زکریایی

حبیب فرزاد (قه‌پرتو)

رضا مقدم

کارگران جهان متحد شوید!

مرگ بر سرمایه، مرگ بر امپریالیسم

بانشریه کمیته

صدای حزب کمونیست ایران مکاتبه کنید

اخبار، گزارشات، و نظرات خود را
از هر طریق که مناسب میدانید به
نشانی های زیر برای ما بفرستید:

— آدرس آلمان

POST FACH 501142
5000 KÖLN 50
W.GERMANY

— آدرس ایتالیا

SH. I
C.P. 1064
10100 TORINO
ITALY

لازم است از نوشتن اطلاعاتی که
میتواند باعث شناسایی افراد و یا
اماکن آنها از طرف پلیس شود، در
نامه ها و روی پاکت ها خودداری
کنید. همچنین بهتر است برای
اطمینان بیشتر از رسیدن نامه ها
بدست ما، از هر نامه حداقل دو
نسخه بطور جداگانه ارسال کنید.



صدای حزب کمونیست ایران

طول موجهای: ۴۹ متر و ۶۵ متر
ساعات پخش: شنبه تا ۵ شنبه: ۹ بعد از ظهر و ۶:۲۵ صبح
جمعه ها: ۸ صبح و ۹ بعد از ظهر

طول موجها و ساعات پخش صدای حزب کمونیست
ایران را به اطلاع همه برسانید



صدای انقلاب ایران

طول موجهای:

۴۹ متر و ۶۵ متر

ساعات پخش: بعد از ظهر: ۱۲:۲۵ تا ۱۰:۳۰ بزبان کردی
۱۰:۳۰ تا ۲ بزبان فارسی
عصر: ۶ تا ۶:۲۵ بزبان کردی
۶:۲۵ تا ۷:۱۵ بزبان فارسی

در صورت نداشتن ارتباط مستقیم با فعالین
حزب، کمکهای مالی خود را میتوانید به حساب
بانکی زیر در خارج کشور ارسال کنید:

Andeesheh (اندیشه)
C/A 23233257
National Westminster Bank
75 Shaftsbury Avenue
London W1V8AT
ENGLAND

زنده باد سوسیالیسم!